

کتابخانه ایرانی  
Iranische Bibliothek in Hannover  
1986

کانون جوانان جهان شومید!

**سنگار**

سابقین سنگار در راه آزادی خطه کانون

انقلاب پرشک  
کارگران و زحمتکشان ایران  
رژیم جمهوری اسلامی رایه  
گورستان تاریخ خواهد سپرد!

دوشنبه ۲۰ مهر ۱۳۶۰ بها ۲۰ ریال

**کاروان سرخ صدها شهید کمونیست و انقلابی**  
**تاقوس مرگ رژیم ورامی نواز**

در هفته گذشته بیش از ۲۰۰۰ کمونیست را انقلابی توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی تیرباران نمودند و بدین ترتیب تعداد کل تیرباران شدگان در طی سه ماه گذشته حدود ۲۰۰۰ نفر گردیده است. در میان اعدام شدگان هفته گذشته بیش کمونیست پسکار رگرنیز وجود داشتند. اساسی این رفتارها و رفتارها:

۱- رسول یوسفی ۲- غلامرضا کلچین ۳- موسی داوری ۴- اسحاق فسوللی ۵- امیرضا رجایی منش  
با دشمن گرامی و آرمان سرخشان پیروز باد!

**آلترناتیو لیبرالی**  
**بیجا شدن پیشرو چه**  
**قابل حمایت نیست!**

در دوره اخیر، همه‌ای نیستند که از آن سرزمینی جا به جا می‌شوند و در گریزها و تسلیمات نظامی سازمان نظامی هدایت نمی‌شوند. این رفتارها و رویدادها، واکنشهای گوناگونی در میان نیروهای سیاسی موجود در جامعه بوجود آورده است. هیئت جامعه کمونی که شهیدان متزلزل است و این عملیات نظامی را مستقیماً منوجه بنیای خود می‌داند. بدین جهت هم‌سایه تبلیغات سیاسی گسترده‌ای علیه مجاهدین دستزده زبیرا سدا نهادن شروع کرده و عملیات مبارزاتی این هیئت جامعه توسط هیئت جامعه مدنی را تعقیب می‌کنند. لیبرالها و همه‌ها بدین به این عملیات بدین جهت تبلیغات و رسوبات را با کسب قدرت می‌گردانند و آنها را و شایسته تصدیق در آوردن برنا می‌کنند. سرزده‌ای خود ساختار است.

تقدیر صفحه ۲

**نامه‌ای**  
**شور انگیز از**  
**یک رفیق مادر**

در صفحه ۱۳

**اتحاد کارگران بالایشگاه**  
**شیراز یار دیگر یوز**  
**رژیم جمهوری اسلامی**  
**و نوکران رنگارنگش**  
**(آئینتی و توده‌ای)**  
**زابه خاک مالید**

در صفحه ۳

**وصیتنامه‌ای دیگر**  
**از کمونیستی دیگر**

در صفحه ۱۵

**مبارزه قهرمانانه**  
**کارگران فیلیپین**  
**در مقابل اخراج**  
**دسته جمعی اعضای**  
**شورا**

در صفحه ۴

در این شماره می‌خوانید:

- مبارزه کارگران بالایشگاه اصفهان در صفحه ۲
- انتصاب دو کارخانه‌سازان در صفحه ۴
- گزارشی از جنبش کارگری صنایع فولاد جنوب (۱) در صفحه ۵
- رویز بنویسم آر استه "بانومارینف" و باز قلاب آن در میان ساترینست ها (۲) در صفحه ۸

کانون جوانان جهان شومید!

بقیه از صفحه ۱ سرمقاله ۵۵۵

نیروهای با شریکیت و ناپیکر  
تا دیبا تئیه مستقیم و گاه با سکوت  
رنا پیمندی به این عملیات بخورن  
نشوده و نیز آنها نه تنها در این  
اقدامات تسلیات آنارشیستی خود  
را مشتکس می بینند بلکه بلبلان  
نزدیکی شخصی میان دیدگانها و  
برنا به خودیها برنا به پرورواشنی  
شیاق می یابند اما پرولتاریای  
آگاه و ما رگسیت لنینیستهای  
پیکر مومع دیگری دارند، مومعی  
که با سونخ کلیه نیروهای سیاسی -  
طبقاتی ترق مرزبندیهای مریخ و  
مشخصی دارد.

از نقش نظریولتاریایی آگاه  
رگسیتنها این ترورشناسا و  
درگیریها از دوزاویه متفاوت و  
نریات متخص و مهمی برانقلاب  
وارد می سازد. از زاویه تاکتیکی  
سبازراتی، درگیریهای مسلحانه  
بناشین بطور قاطع فاشخصیت  
شده ای بوده و تنها وسیله ایجاد  
بیا سیم و انتقال در بیان توده ها  
سجری می گردد. انقلاب کار توده ها است  
این نیروی لایزال خود توده ها است  
که در برتر سباززه طبقاتی قادر است  
دنیای کهن را واژگون کند باید  
نیرویی تنظیم توده ها را در برتر  
اخگر آگاهی و سازماندهی انقلابی  
بیدا رکرد و ارتقا داده و توده ها را با  
ایده در هم شکستن نظام کهن و دستگاه  
دولتی تربیت نمود. باید توده ها  
را در تجربه مستقیم خود آشنان  
پرورش انقلابی داده و نشان داد که  
آزادی واقعی آنان به دستگیری  
پیکارهای طبقاتی خود آنان میسر  
و امکان پذیر است. حال آنکه  
ترورها و عملیات نظامی کسوفی  
ذهن کارگران و سباز توده ها را  
آشناساخته و امید کاذبی در آنان  
برمی انگیزد مومعی بر اینکه آنچه  
نجات بخش است نه سباز رزه  
میلیونها توده، بلکه "عملیات  
قهرمانانه" روتفکران یا سبک  
نیروی سیاسی است. این ترورها  
خلاقیتها و ابتکارها توده ها را از  
آنها سلب نموده و آنان را نظاره گر  
شردمیان افراد مسلح و نیروهای  
سرگوبگر رژیم کم می نماید.  
بهمین لحاظ این ترورها، توده ها  
را نه بمیدان مبارزه مستقیم علیه  
رژیم سیاسی موجود، بلکه آنان را  
به افعال توسستی میکشاند. بارها  
شاهد دیده ایم که در هنگام درگیریهای  
مجا هدیمن توده ها از محله خیا بیان  
بسرعت کتار رفته و میدان را برای  
افراد مسلح خالی گذاشته اند. این  
حقیقت نشان میدهد که توده ها با  
اینگونه تاکتیکها کاملاً بیگانه  
بوده و بطور غریزی این درگیریها  
را مبارزه خود نمیی دانند و حاضر  
نشدند قما لانه از آن حمایت کنند.  
توده های آگاه از مرگ و جنسیت

مسلحانه هراس ندارند و بارها در  
طول تاریخ مبارزه طبقاتی نشان  
داده اند که قادرند جانبازیها و  
تیرمانیهای بی شماری در مبارزه  
علیه دشمن بنمایش گذارند. قیام  
نموند بر بسته ای از این جاسازیهای  
توده خاست. اما آن زمان که توده ها  
در برتر مبارزه طبقاتی پرورش  
نیافته اند، آن زمان که مبارزه،  
مبارزه توده ها نیست، آنان حاضر  
نشدند در آن شرکت نمایند و در  
دست به حمایت فعال بزنند.  
بنا برای تاکتیکهای نظامی و  
ترور مجا هدیمن نه تنها بنا به  
ما هیت خود قما در نیست، توده ها را  
بمیدان مبارزه میکشاند، بلکه  
بملاوه نریات سهمی بر پیکر جنبش  
شده ای وارد ساخته، در قما تربیتی  
طبیعی آن احتلال بوجود آورده و از  
سرهت تکامل آن جلوگیری مینماید،  
در ضمن این تاکتیکهای ترور در  
زمانی که توده های وسیع بمیدان  
مبارزه سیاسی وسیع و فعال علیه  
رژیم سرما یه داری حاکم کشیده  
نگذاشته اند، زمینه را برای تسسیرش  
گستاخانه تر جلادان حاکم باز میگردد  
روتن است که رژیم بنا به ما هیت  
ارتجایی و سرما یه دارانه خود به  
سرکوب انقلاب دست میزند، لیکن  
در شرایط فقدان جنبشهای گسترده  
توده ای و تعرض مظم توده ها علیه  
ارتجاع حاکم، درگیریهای نابرابر  
سجریه نریات مملکی بر پیکر  
جنبش می گردد. تمام و تیرباران  
سریع و دسته دسته از انقلابیونی که  
در تقا هرات مومعی مسخانه دستگیر  
شده اند و با انتقال مجوسی وحشیانه  
رژیم بمیدان زهر ترور و با درگیری  
نظامی که سنجریه کشتار زندانیان  
کوسیت و انقلابی می گردد، رابطه  
مستقیمی با این درگیریهای مسلحانه  
بنا مومعی برقرار می کند و بطور  
مشخص نشان می دهد که این  
درگیریها و ترورها جنبش آگاه را  
مشمول چه نریات جبران ناپذیری  
می سازد.

بدین ترتیب درمی یابیم که  
از زاویه تاکتیک مبارزاتی، تاکتیک  
مسلحانه مجا هدیمن ضربات بمسار  
مهمی بر پیکر جنبش توده ای و جنبش  
آگاه وارد ساخته و در تقا دبا انقلاب  
توده ای قرار دارد. البته این  
مسئله زمانی روشن تر می گردد که  
ما رابطه این ترورها و درگیریها  
را با خط مئی و برنا ملبیرالیسی  
مجا هدیمن در یابیم.  
در حقیقت تاکتیکهای مسلحانه  
سازمان مجا هدیمن رابطه مستقیمی با  
سیاست کودتاگرانه مومعی و برنا ملب  
لبیرالی آن برقرار میکنند. این  
تاکتیکها ابزار تحقق برنا ملب ای  
است که ما هیت پرورواشنی داشته و  
بطور مشخص در خدمت مفاغ طبقاتی  
پرورواشنی لبیرال است. بنا بر این

نه تنها از زاویه تاکتیک بلکه  
سجسین سبوزنه از زاویه برنا ملب و  
مئی سیاسی، حرکت مجا هدیمن برای  
انتخاب زبان آواست.

مدرسه پرورواشنی در تجربه سیاست  
راقتساده است. برنا توانی و تزلزل  
است. خرید پرورواشنی بنا به ما هیت  
خود قما در بنا به آلترنا تیو مستقل  
نمیباشد و بومومعی نا طریبا بیزیر پرچم  
پرورواشنی در می غلظت و با در زیر  
پرچم پرولتاریا قرار می گیرد. در  
مقابل پرورواشنی، تنها طبقه  
تزلزل ناپذیر پرولتاریاست و  
تنها این طبقه است که به آخر انقلابی  
است که نیروی طبقاتی مستقل را  
تشکیل میدهد. امروز سازمان مجا هدیمن  
بنا به ما هیت خود بیزیر پرچم پرورواشنی  
قرار ترن است، زیرا ما هدیمن  
نه تنها بطور رسمی به اشتلاف بنا  
لبیرالهای ارتجایی زده، بلکه  
بملاوه برنا ملب و بیلاتفرمی را ارتج  
نشوده است که بطور خدمت پرورواشنی  
و سرما یه داری است. همانطور که  
میدانیم هدف اساسی این برنا ملب  
مخج به از مزب سبوزنی است اما  
پرواض است که تحقق این هدف  
جز انتقال قدرت از دست بخششی  
از پرورواشنی به بخش دیگر و ج حفظ  
ماشین کهن پرورواشنی ممکن ای  
دیگری ندارد. این برنا ملب همان  
که رسما در مفاغ اعلام گردید، مشکلی  
به همان قانون اساسی ارتجایی  
رژیم سبوزنی اسلامی است و ایسن  
قانون اساسی جزا شدیم و  
استمارا سرما یه جنبش و جنبش  
به سرما یه جنبش و جزا شدیم سرکوب  
و حتمان بر علیه پرولتاریا و دیگر  
شده های ستمدیده جوهر دیگسری  
ندارد. بنا بر این برنا ملب ای که  
نواهان حفظ حاکمیت پرورواشنی و  
حفظ ماشین دولتی است و مشکلی بر  
قانون اساسی سرما یه می باشد جز  
یک برنا ملب پرورواشنی و صدا انقلابی  
بیزدیگری نیست، آلترنا تیو  
لبیرالی - مجا هدیمن از آنجا که  
بر اساس چنین برنا ملب ای استوار  
است تنها و تنها یک آلترنا تیو  
پرورواشنی بوده و قما قدر گونه عنصر  
دمکراتیک می باشد.

این آلترنا تیو خطرات مهملکی  
برای انقلاب در بر دارد. بیزیر  
انقلاب دمکراتیک - صدا لبیرالیستی  
فقط در در هم شکستن ماشین دولتی،  
سرنگونی پرورواشنی و استقرار  
جمهوری دمکراتیک معنا پیدا  
میکند و این بیزیرواشنی تنها تحت  
رهبری پرولتاریا میسر است  
بیزیرواشنی در انقلاب بنور لاینفکی  
در گرو مبارزه بیکر علیه آلترنا تیو  
لبیرالی مجا هدیمن قرار دارد. چرا  
که این آلترنا تیو علیرغم ظاهرا  
با صلاح دمکراتیک خود در پس  
جا بجا نمودن قدرت از دست یک  
بقیه در صفحه ۱۳

## مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست



### مبارزه کارگران پالایشگاه اصفهان

در پالایشگاه اصفهان (مشمل با پالایشگاهها) دوزخ ساعت کار وجود دارد. عده ای از کارکنان روزانه ۸ ساعت کار میکنند و بیک هفته در میان پنجشنبه ها تعطیل هستند (مثل سایر کارخانجات) و عده ای دیگر روزانه ۱۲ ساعت کار میکنند و بعد از چهار روز ۲۱ شب و ۲ روز استراحت در جمهوری اسلامی در پی سیاست سرکوب و ارضای عمومی خویش در سطح جامعه و در کنار کوشش فدکا رگری اش برای اضافه کاری اجباری در کارخانجات سعی میکنند با ۸ ساعت کار آن عده ای که ۱۲ ساعت کار میکنند به اصلاح تولید را بالا ببرند چرا که میگویند کارکنان بعد از ۸ ساعت کار خسته میشوند و چهار زمانت بقیه را خوب کار نمیکنند و در اندامان کار را شین می آید.

کارکنان از زمان وقتی که زمینه چینی چین سرکوبی آغاز شد بود مخالفت خود را به آشکارا و مختلف مطرح میکردند و با وجود اینکه چندی پیش رژیم فدکا رگری جمهوری اسلامی و نشر انما بندگان آنها را دستگیر کرده و هنوز در بازداشت نگاه داشته بود تصمیم قاطع گرفتند تا در مقابل این سیاست فدکا رگری رژیم بمقاومت بیاورند.

قرار بود این بر سر رژیم از شنبه ۶۰/۶/۲۸ در سطح پالایشگاه شروع شود. کارکنان روزانه ۸ ساعت کارکنان نوپنگار (که ۱۲ ساعت کار میکنند) میخواهند سرکار بروند اما رئیس پالایشگاه با پسند مزدور رژیم مانع میشود. کارکنان پشت درهای بسته پالایشگاه اجتماع کرده و میخواهند که به هر ترتیبی شده وارد پالایشگاه شوند. رئیس پالایشگاه هلی سخنرانی به کارکنان شما می میکند و میگوید "من حاضرم آمریکا نیسها را به پالایشگاه راه دم ولی شما را راه نمی دم" در همین لحظه شبهای رئیس پالایشگاه پیرمرد بگ زده ای (از کارکنان جنگزده صنعت نفت جنوب) بلند شده و با عداوتی بلند رئیس پالایشگاه را خطاب قرار داده و میگوید "تو آمریکا شستی خودت هستی ضد انقلاب خودتی و... و به این ترتیب کینه و نفرت طبقاتی

خویش را نسبت به این مزدور رژیم بر ما به نشان میدهد. تمام کارکنان شرکت خود را از این مزدور و قبیح نشان میدهند.

در این هنگام کارکنان شیفت کار (آنها شی که ۸ ساعت کار میکنند) از پالایشگاه بیرون می آیند. به محض اینکه کارکنان شیفت کار به بیرون می آیند کارکنان از نوپنگار یکمدا شعار میدهند "درود بر شیفت کار" کارکنان شیفتی با مشاهده یاران خویش به درون آنها رفته و در این زمان همه با هم شعار میدهند "شیفت کار، نوپنگار، بیوندتان مبارک" و "مرگ بر آمریکا" (خطاب به رئیس پالایشگاه) رئیس مزدور پالایشگاه دتا هوا را پس دیدها بیزار سرکوب سیا به سداران متوسل شده و اعلام نمود من مسئولیت می در پالایشگاه سدارم و الان به سپاه تلخ میروم آنها میداند و شناسا. سپس بدکار دستور میدهد تا درها را ببندند و بیگذا رند کارکنان وارد پالایشگاه نشوند. کارکنان با مشورت همدیگر تصمیم می گیرند که به ترتیب شده خود را به محیط کار برسانند. بدین ترتیب با فشار یکپارچه کارکنان درها بر روی کارکنان باز شده و اینان وارد پالایشگاه میشوند روز بعد نیز کارکنان خواست خود را به رژیم تحمیل می نمایند.

روز دوشنبه از طرف سداران سرما به لیت اسامی ۱۵ نفر از فعالین این جریان در پالایشگاه منتشر میزند. تا خود را به سپاه معرفی کنند. که از این عده برخی پس از گرفتن تعهد از دست شده و برخی دیگر با زداشت میشوند.

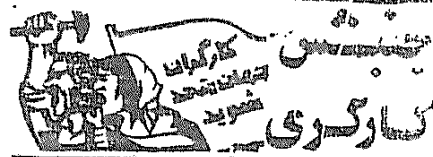
از روز شنبه رژیم توسط جدیدی برای درهم شکستن مبارزه کارگران طرح ریزی میکند. بدین ترتیب که از کرمانشاه عده ای از کارکنان را با خود و فریب و با این بهانه که پالایشگاه اصفهان پرسنل کم دارد با اتوبوس به اصفهان می آورد و روز شنبه آنها را به پالایشگاه میبرد. کارکنان پالایشگاه اصفهان کسیه از ما چرا مطلع میگرددند با کارگران منتقل شده از کرمانشاه تماس گرفته و آنها را از سوطه رژیم مطلع می سازند. این کارگران به محض اطلاع از واقعه از آمدن خود اظهار ریشمانی کرده و بیست تیبانی خویش را از کارکنان پالایشگاه اصفهان اعلام میدارند. با سداران سرما به که توسط رژیم ارتش برآب می بینند، از ترس اتحاد کارکنان قدیم و جدید، دوباره دست بکار شده و آنها را از کارکنان پالایشگاه اصفهان جدا می نمایند و با اتوبوس به هتلی در اصفهان منتقل میکنند و سرتا سر جاده اختصاصی

پالایشگاه (به قلم ۵۰ متر) با سدار میگذرانند. رژیم با اینکده با ایما دجور عب و وحشت با آخر برنا به فدکا رگری خویش را عملی میکنند اما در ترس و تشویش از اتحاد و همبستگی کارگران هر لحظه حرکت مجدد و یکپارچه کارگران را انتظار میکنند.

**اتحاد کارگران پالایشگاه  
شیراز با رژیم  
جمهوری اسلامی و نوگاران  
و نگارنگش (اکثریتی و  
نوده ای) را به خاک مالید؟**

کارگران و زحمتکشان رژیم سرکوبگر خمینی، بسوزش و حشیا نه خود را که برای در ششم کوبیدن سنگر انقلاب از بین بردن قیام خمینی اما تا آخر در دیر اندک شدت داده و با بیبرسی و غیر انسانی که مخصوص رژیمهای سرکوبگر است سرما پیدا ریست و حشیا نه ترسین جنایات را هر روز مرتکب میشود. رژیم مشغول خمینی که در عرض گذشت از دو ماه پیش از ۱۳۰۰ تن از بهترین فرزندان زحمتکشان را به جوغه های اعدام سپرده است، از یورش به سایر دیگر سنگرهای انقلاب نیز قائل نشده و دستاورد های مبارزه خونین کارگران را نیز بزور سر نیزه پس میگرداند. اینها را محض فری بسلاص معروف و وزیر نفت رژیم خمینی خون آشام به صدور پوینت نامه ها فسی مبنی بر ۲۶ ساعت کار در هفته و حذف ۱۰٪ حق کارگرمی خمینی گرفتارند و دستاورد های مبارزاتی کارگران و کارمندان با مقاومت سرسختانه خود منت حکمی برده ان رژیم کوشند. جریان از اینقرار است که پس از صدور اطلاعیه های گذاشی، صدای اعتراض کارکنان از هر سو بلند میشود و روز پنجشنبه ۶۰/۶/۲۶ اکثر کارکنان سرکار حاضر میشوند. غیر از عده کمی (حدود ۲۸ نفر) که شامل کارمندان عالی رتبه، ماشین نویسها و تعدادی کارگر زیر پوشش میباشند. شورای فرما می خیل زود منوجه میشود که نمیتوانند با کارکنان متا بله کنند و از ترس اعتماد فرمای یک نما بند و بسرای مذاکره به تهران میفرستند. نماینده مذکور که اکثریتی بوده و در حقیقت

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



سایبیده دولت است از قرار معلوم از طرف رژیم تحویل گرفته نمیشود و دست از پارتی درازتر می‌کند. کویا در تیزان بوی گفته بودند که پنجمینها با پادشاه بر سر کار بر روی دنیال این جریان، شورای فرمایشی از گذاشتن مجمع عمومی خودداری، سیکندولی زیر فشار کارکنان و از تری اینک با ریدگر کارکنان سنجشیده دیگر نیز سرکار رنروند و به ضد تهدید و آزار عاب مجبور میشود در روز چهارشنبه ۶۰/۷/۱ در رستوران پالایشگاه مجمع عمومی تشکیل دادند. این مجمع عمومی از طرف شورای اسلامی کارگران پالایشگاه شیراز دعوت شده بود. جلسه با شرکت بیش از ۳۰۰ نفر از کارگران و کارمندان تشکیل میشود (لازم به تذکر است که عده ای بنا بر طریقی که این مجمع را شورای ضد کارگری راه انداخته در آن شرکت نکردند).

در ابتدا حاج طاهریان (سرپا) کننده جشنهای شاهنشاهی و مزدور فعلی انجمن اسلامی (با فرستادن تکبیر و صلوات و قصد داشت جو مذهبی را به جلسه حاکم نموده و به همداف کشیف خود برسد. وی پس از با اصطلاح آماد سازی جو، میدان را به یکی از نماینده های خیره توده ای واگذار کرد. این خاشن با عوام فریبی و با طرح اینکه صدور این بخشنامه از طرف اقراد ضد انقلابی است که در دولت نفوذ کرده اند، قصد داشت خود را طرفدار کارکنان نشان بدهد. وی گفت: این حق ما است ولی بسیاری گرفتار حقمان نباید می‌زنیم، چرا که اغتشاش کار رضا انقلاب است؟

(آری مبارزه یعنی اغتشاش و کارگران یعنی ضد انقلاب) و از آن مهترانگرمبارزه کنیم دولت قوی است و ما را سرکوب میکند (ترساندن کارکنان!) و با لاف پندار زکلی و راجی همانگونه که روش همسسه رویزیونیستها و خاشن است، حرف آخر آنکه همان حرف رژیم است زد و گفت: پنجمینها با پادشاه بر سر کار بر روی در اینجا کارکنان با قطع صحبت وی شروع به اعتراض کردند و کارکنان در اعتراض از یکدیگر پستی می‌گرفتند یکی می‌گفت: تعطیل پنجمینها را در مبارزه با رژیمها به بدبخت آورده ایم و به چه وجه از دست نمیدهیم یکی فریاد می‌زد: فرضی خاشن است. او کسی است که فرزندان طالقانی را از زنده بود... دیگری با صدای بلند می‌گفت: بهتر است نمایندگان استعفا بدهند! که این حرف مورد قبول کارکنان قرار گرفت. در همین حین کارگران چشمگین در حالیکه صدای اعتراضشان از هر سو بلند شد.

بود جلسه را ترک کردند و در موقع ترک مجمع به نماینده خاشن توده ای گفتند: پنجمینها را گرفتیم، حق کارگاهی را هم میگیریم، پیروز با دشمن سرگرد کارگران علیه رژیم سرمایه داری!

### اتحاد کارگران تهران صنایع پشم اصفهان در مقابل اضافه کاری اجباری

رژیم جمهوری اسلامی در پی تلاش خود جهت انتقال فشار بر عیان اقتصاد به بردوش کارگران و صنعتگران بر آن شده است تا روزانه ۲ ساعت اضافه کاری اجباری را تحمیل کند. رژیم در کارخانه صنایع پشم اصفهان در صدد بود تا این سیاست ضد کارگری را به موردا اجرا بگذارد. و در همین رابطه به کارگران اعلام نمود که با پادروزی ۲ ساعت اضافه کاری کنند و با اینکه جمعه ها به سرکارها بیاید.

اما روزی که قرار بود کارگران اجباراً اضافه کاری کنند، تمام کارگران بدون استثناء بعد از ساعت کار را باس پوشیده و محیط کار را ترک گفتند و از فردای آنروز نیز بطور متحد و یکجا رجه تن به اضافه کاری ندادند.

بدین ترتیب اشکال دو همبستگی کارگران تهران صنایع پشم اصفهان مانع از اجرای سیاست ضد کارگری اضافه کاری اجباری برای رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی گردیده است.

### مبارزه تهران نانه کارگران فیلیم در مقابل اخراج دسته جمعی اعضای شورا

بدنیال سرکوب وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی چندی قبل اعضای شورای کارخانه فیلیمس اخراج شدند. بعد از گذشت چندین هفته از طرف وزارت کار نمایندگان بسه کارخانه آمدند تا ترتیب تشکیل شورای جدید را بدهند. اما از آنجا که اکثریت کارگران خواهان بازگشت اعضای شورای اخراج شده بودند بودند با متنا و متی تهران نانه این توطئه کشیف را افشا کردند. نمایندگان وزارت کار با عوام فریبی سعی داشتند که به کارگران بقبولانند که با زگردا نیندن اعضای شورا تنها از عهده شوری جدید سر می آید و بنا بر این به کارگران می‌گفتند که شما با پادشاهی جدید انتخاب کنید تا آنها بتوانند نمایندگان شما را به سرکارها برگردانند. کارگران

در طریقی با لیا استنبار دست وزارت کار و اربابان برای ایشان کاملاً روشن شده بود. لاینقطع فریاد می‌زدند: ما شورای قبلی خود را میخواستیم و ما با زگردا نیندن آنها به سرکار رنروند. انتخاب با شریکت نمیکنیم. مزدوران انجمن اسلامی که در نمایان شوری فرصتی بدست آورده بودند با تاشیه نمایندگان وزارت کار خواستند تا شورای جدید نتواند تا شای بدست آورند. بعنوان نمایندگان کارگران انتخاب شوند و اخراج اعضای شورا را تا شای بدست آورند. ما این شوکران سرمایه داری که رخوا شده بودند، زیرا در مقابل کترازده های آنها برای تشکیل شورای جدید نزدیک به ۶۰۰ نفری با به زگشت شوری اخراج شده اند و با این کار توطئه کشیف انجمن اسلامی وزارت کار و بدین عا مل کشیف را نقش بر آب ساختند.

درود بر کارگران مسلمان فیلیمس و متنا و شریکت شهر ما تا آنها در مقابل اخراج

### اعتصاب دو کارخانه سیمان

در روز یکشنبه ۶۰/۶/۲۹ کارگران کارخانه سیمان دریا به جهت دریافت پاداش مدت چند ساعت دست از کار کشیدند و برای کمبود این خواست سرخ خود در جلوی کارخانه اجتماع کردند. جریان بدین قرار بود که عمال ضد کار رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی جهت تفرقه افکنی بسین کارکنان کارخانه نووا بسته کردند برخی از کارمندان بخود، اقدام به پرداخت مبلغی بعنوان پاداش بد این کارمندان میکنند. خبرا بسین واقعه به گوش کارگران رسیده و وقتی کارگران می بینند که خودشان هستند که با اصلی تولید و وشتان بوده اما از کمترین امکانات بهره خوردا رنروند و حال نیز که موقع پرداخت پاداش است تنها عده معدودی صاحب پاداش شده اند. اعتراضی کرده و در روز ۲۵ و ۲۶ به خلیج مدیتر کارخانه فرصت داده تا مبلغ مذکور را به آنان نیویزدازد.

در روز شنبه ۶۰/۶/۲۸ مدیتر کارخانه ندر اجتماع کارگران حاضر شده و به فریبکاری می پرداخت. وی که قبلاً به کارگران گفته بود پاداش به کمسانی تعلق میگیرد که کار زیادتری کرده باشند. در این روز برای بهر مبارزه کارگران ظاهراً عقب نشستند و میگویند که شراست پاداش را بپردازد و به این شرط کارگران به سرکار خود رفتند. اما در بعد از ظهر های نروزی که کارگران خبر میدادند خلیج مدیتر کارخانه به زیر حرف خود زده و میگویند که فریبست پاداش را بپردازد و خشت کنند. کارگران با شنیدن این



کارگران فولاد حول مسئله تعطیلی  
کارخانه و اخراج کارگران ناشکل:

جهت تحقیق مطالبات خویش در اینجا  
مانع از آن بود تا رژیم بتواند به  
راحتی به اخراج کارگران متوسل  
شود اما مسئله اخراج همواره برای  
کارگران مطرح نبود بخصوص گرسنگی  
کارگران پروژه‌های هیچ نوع شباتی

- ۱- برنامه‌ها
- ۲- جریان مبارزه
- ۳- نقاط قوت و ضعف.

# گزارشی از جنبش کارگری صنایع فولاد جنوب (۱)

## ۱- برنامه‌ها

بدون ذکر مقدمه درباره زمینه‌ای  
که بحران عمیق سیستم سرمایه‌داری  
وابسته فرا هم نموده تا بیکاری با  
دامنه وسیعی مطرح و خیل عظیم  
کارگران شاغل نیز بیکار شوند، در  
را بطنه با یورد مشخص فولاد و بر خورده  
مسئله اخراج کارگران و تعطیلی  
کارخانه و بر خوردی که ما بعنوان  
بخشی از نیروی پیشرو در این رابطه  
داشته ایم میپردازیم:

اخراج کارگران فولاد از پیش  
از قیام مطرح بوده است. کارگران  
فولاد که عمدتاً پیمانگی بوده (از مجموع  
۹۷۰۰ نفر حدود ۸۰۰۰ نفر پیمانگی)  
و در شرکتی پیمانکاری گرسنگی  
احداث پروژه فولاد هوا زد دست داشته  
کار میگردند. قبل از قیام به واسطه  
اشغال قسمت زیادی از عملیات  
ساختمانی پروژه و کاهش حجم کار  
موجود در پروژه پیش از ۲۰۰۰ نفر از  
کارگران ما را بفرستادند، کاهش حجم  
کار و محدود شدن آن و زیان بودن  
نیروی انسانی نسبت به کار موجود  
نا سعادتهای را بوجود میآورد که راه  
حل آن در سیستم سرمایه‌داری چیزی  
جز اخراج کارگران و بیکار نمودن  
آنان نیست. به این طریق پیش از  
۲۰۰۰ نفر از کارگران را پیمانگی پیش  
از قیام اخراج گردیدند که ایسین  
کارگران همدا قیام با فشاری که  
وارد گردید موفق شدند بر سر کار  
بازگشته و با مبارزات خود حقوق  
چندین ماه اخراج خود را بگیرند.  
از آنجا که رژیم جدید نیز برای خود  
رسالتی جز بر آه انداختن ما شین  
دولتی قدیم را که اینک بر آن جنگ  
انداخته بود، قائل نشود بنا گزیر  
در چهار چوب حفظ و راه اندازی سیستم  
سرمایه‌داری وابسته با همان مسائلی  
که رژیم پیشین داشت رو برو بود.  
همدا قیام بخصوص با آنها مدرسه  
دیگری از کارهای موجود با هم‌ها  
نا معامله با زاد کارگران نسبت به  
کار موجود برقرار بود که رژیم جدید  
نیز بنا به ماهیت خود نمیتوانست  
خارج از مناسبات سرمایه‌داری به  
حل آن یعنی اخراج کارگران،  
نا مثل شود اما روحیه انقلابی که  
حاصل قیام مهرشکوه بهمن ۵۷ بود  
و گسترده‌گی مبارزات کارگران در

جمعه‌بندی زیر گزارش حوزه فولاد  
با زمان در جنوب میباید. ایسین  
گزارش محصول یک دوره کار فشرده این  
حوزه در جنبش کارگری فولاد است.  
این گزارش حاوی تجربیات ارزنده‌ای  
در زمینه برنامه‌ریزی، سازماندهی،  
تبلیغ، مبارزه با توتالیتاریسم،  
تنظیم شمارها و تاکتیکهای رهبری  
و... میباشد. و از عملکرد جریان‌ها  
مختلف سیاسی در طبقه تصویر نسبتاً  
عینی بدست میدهد.

اگر هدایت سازماندهی  
جنبش کارگری و ارتقا سطح مبارزاتی  
آن در جهت اهداف طبقاتی طبقه  
کارگر و وظیفه‌های سیاسی و همبستگی  
کمونیستی است، این مهم برای جنبش  
کمونیستی ایران که وظیفه فوری و  
عاجل پیوند با طبقه رادریش روی  
دارد، ضرورتی دوچندان میباید.  
و دقیقاً در راستای چنین ضرورتی  
است که جنبش کارگری از مبارزات جنبش  
کارگری و فعالیت کمونیستی در آن  
از اهمیت بسیاری برخوردار میباشد.  
شناخت از موقعیت عینی جنبش  
کارگری، انتقال تجربیات و برخورد  
با اشکالات، اشتباهات و کمبودها،  
اهداف چنین جنبش‌هایی است.  
ما کمونیستها اگر بخوایم فعالیت  
خویش را در جنبش کارگری در هر گام  
تکامل و ارتقا بخشیم باید پیرو  
اشکالات خویش را در پرا تیک  
مورد نقد قرار دهیم. امری که  
مقتضای مبارزه با سبب عملکرد اشکالات  
راستروانه‌ها کم بر جنبش کمونیستی  
تاکنون موردی توجهی قرار گرفته  
است.

در گزارش زیر علاوه بر جنبه  
درس‌گیری و انتقال تجربیات،  
برخورد صریح و بی‌پروای انتقادی  
رفقا به ضعفها و اشکالات حرکت  
خویش خود نمونه مثبتی از شیوه اصلی  
برخورد کمونیستها به اشکالات و  
انتقادات خود میباشد.  
امید داریم در همین ایسین  
گزارش طی دو شماره هم به انتقال  
تجربیات رفقا و هم به اشتباهات  
لبنی انتقاد از خود کمک نماید.  
با درود به تمامی رفقای که  
در راه آرمان سرخ پرولتاریا،  
سوسیالیسم و عدالت پرروازی به  
شهادت رسیدند. همبستگی از مبارزات

از نظره وضعیت شغلی نداشته و همواره  
بدنهایی کار از این سو به آن سو روانند  
با حرکت از همین درک بی‌شکستی  
شغلی و آوارگی و در برداری بخاطر  
پیدا کردن کار که بیشتر مختص کارگران  
پروژه‌ای است. کارگران پیمانگی  
فولاد برای رسمی شدن دست به مبارزه  
زدند که در نهایت با سرکوب شدید  
رژیم رو برو شدند (۲۶ دی ۱۲  
اسفند ۵۸) همدا قیام تیغ اخراج بر  
بالای سر کارگران قرار داشت و آنان  
هر لحظه در انتظار فرود آمدن آن بودند  
(با درهما تسو قع نیز در رابطه با  
سرکوبی کارگران مسئله اخراج‌های  
وسیع آینده را در میان کارگران  
مطرح مینمودیم) با این فرق گرسنگی  
ایسین موضوع اخراج در سطح وسیع  
مطرح بود.

شروع جنگ ارتش با ایران و  
عراق فرمتی بود تا رژیم بتواند  
تخصیص هزینه‌های جنگ به سر  
کارگران در کارخانه‌های تولیدی  
مخارج تولید را از طریق زدن بخشی  
از دستمزدها و درآمدها حتی بهار  
کارگران و افزایش ساعات کار،  
پایین آورده و در بخشهای غیر  
تولید (پروژه‌ای و...) از طریق  
کاهش هزینه‌های جاری حکم اخراج و  
فقر و فلاکت بخش عظیمی از کارگران  
را با درنمایند که در سر راه غیر  
نمونه اخراج کارگران نیروگاه  
را همین اسواژ گشت و دستهای  
منطقه و نیز فولاد را از آن ذکر کرد  
بر اساس زمینه‌ای که پیش از جنگ  
برای اخراج کارگران وجود داشت  
با تحلیل از اوضاع بعد از جنگ باید  
تمام تبلیغ خود را روی مسئله  
اخراج گذاشته و با عده کردن آن  
توضیح میدادیم که ضرورت اخراج  
برای رژیم در چارچوب سیستم  
سرمایه‌داری وابسته از کجا ناشی  
میشود.

بدلیل نیازی که رژیم به نیروی  
انسانی و وسائل موجود در کارخانه  
در رابطه با جنگ داشت مثل سنگسار  
سازی و حمل و نقل و سرویس دهی،  
بلافاصله بعد از شروع جنگ به طرح مسئله  
اخراج نیروها دست بستند و در آنسال  
۵۹ یعنی زمانی که تقریباً دیگر از  
ناحیه نیروی انسانی در رابطه با  
جنگ بی‌نیاز شده بود به طرح مسئله

## زنده باد سوسیالیسم!





بطور مستقیم پرداخت (لازم به تذکر است که کارگران بایستی میلی و از روی اجبار تحت مقررات سخت و سخت که از جانب انجمن اسلامی و ستاد بسیج مجتمع وضع شده بود مجبور به همکاری در رابطه با جنگ نبودند مثلا در تمام ایامی که کارگران در رابطه با جنگ به کارگزاران دربار میگردیدند نسبت در روز چهارشنبه داشت) و با طرح تعطیلی موقت کارخانه حرکت خود را بطور عملی برای اخراج کارگران آغاز نمود. برنا هم رژیم این بود که از طریق تعطیلی موقت کارخانه از حضور کارگران در کارخانه جلوگیری کرده و در مدت به اصطلاح تعطیلی موقت درصدی از حقوق کارگران را بپردازد و کارگران را از طریق تعاونی کردن و در نهایت گروه عظیمی از کارگران را اخراج نماید. ما به کارگران نشان میدادیم که قصد رژیم برنا به ما نیست خود دست برداشتن از پروژه فولاد نیست بلکه مسئله به تعطیلی موقت کارخانه که از سوی رژیم مطرح است صرفا در جهت اخراج کارگران بوده و پس در این شرایط بود که ما به برنا مریزی در مورد مبارزه عنقربندی که کارگران حول جلوگیری از اخراج خود به آن دست میزدند، پرداختیم.

۱- جلوگیری از تعطیلی کارخانه در قبال در قبال تعطیلی کارخانه با طرح این شعار کارگران برای جلوگیری از اخراج خود هر چه وسیعتر در کارخانه متمرکز گردیده و متشکلتر حول مسئله اخراج بسیج میشدند و از پراکنده شدن ناشی از شرایط جنگ به مقدار زیادی کاسته میشد که در این رابطه تبلیغ ماری حضور هر چه بیشتر کارگران در کارخانه برای مقابله با توطئه اخراج قرار داشت.

۲- در قبال کاهش دستمزدها که به صورت پرداخت درصدی از حقوق کارگران در ایام به اصطلاح تعطیلی موقت از جانب رژیم مطرح میشد ما شعار پرداخت کارگران را مطرح نمودیم. با این پیش بینی که رژیم با اقدام به تعطیلی کارخانه دستمزدها را نیز کاهش خواهد داد و بنابراین طرح شعار پرداخت کارگران را میسر میگردید که کارگران را بایستی مبارزه بسیج نماید از طرف دیگر این احتمال وجود داشت که در اثر کاهش وضعیت جنگی در ناحیه مسئله تعطیلی کارخانه بطور خود بخودی مطرح گردد و آنجا که رژیم کارخانه ها را در رابطه با وضعیت جنگی تعطیل نموده و فقط درصدی از دستمزدها را به کارگران اینگونه کارخانه ها میپردازد.

در این مورد هم شعار پرداخت کارگران دستمزدها را مطرح نمودیم. ۳- عدم اخراج کارگران به هر بهانه و عنوان: شعار این بود که نظارت داشت بر بسیج کارگران برای جلوگیری از اخراج آنها چه در رابطه با عدم تعطیلی مجتمع و تحت عنوان ما زاد بر احتیاج وجه در رابطه با تعطیلی به اصطلاح موقت وجه در شرایط جنگی و با طرح تعاونی کردن مجتمع.

۴- تشکیل شورای نمایندگان واقعی کارگران: بعنوان تاکتیک تشکیلاتی که متناسب با شرایط مبارزاتی کارگران مطرح گردید این تشکیلات شامل شورائی بود مرکب از نمایندگان تمام کارخانه ها که در کارخانه مشترک وظیفه برخوردار بودند با توجه به داشتن وسیع مبارزاتی راضی افزایش آگاهی کارگران در رابطه با شناخت مستقیمی که از رژیم بدست میآوردند. سازمان دهد. آخرین بخش برنا سه مربوط به تبلیغات بود که قرار شد اعلامیه های "کارگران مبارز" بطور شما را در ویژه توطئه اخراج بهیرون داده شود هدف این بود که در رابطه با مبارزات کارگران حول اخراج آنها بنیال برنا مه های اعلام شده از طرف ما از طریق اعلامیه ها بطور مرتب گشایده شوند.

۵- انحلال انجمن اسلامی: با توجه به نقش انجمن اسلامی که همواره بعنوان چماق سرکوب کارگران از سوی رژیم مطرح بوده است و با توجه به درگیری مستقیم کارگران با این ارگان سرکوب و با تکیه بر شعار ریب خود کارگران و انزجار و تنفر کارگران از آن بعنوان عامل سدها مبارزاتشان و با تکیه بر نتایج مثبت مبارزات کارگری سازمان که طرح شعار انحلال انجمن اسلامی در آن آمده بود، از زمان آغاز مبارزه برخورداریم به مسئله اخراج این شعار را با توضیح نقش و جایگاه آن برای کارگران، مطرح نمودیم. در جریان مبارزه از جانب ما مطرح گردید که کمیته های فنی که از سوی رژیم مرکب از تعدادی مهندس برای پیشبرد طرح تامین نیروی انسانی مورد نیاز و اخراج بقیه کارگران تشکیل شده بود با توضیح نقش آنان برای کارگران ضرورت انحلال آنها مطرح گردید.

۶- نظرات: در رابطه با تاکتیک مبارزاتی متناسب با وضعیت کارگران در شرایط اخیر ما نظرات را ما بهترین شکل مبارزه که کارگران بر علیه اخراج خود به آن متوسل شوند میباید زیرا تجربه دوساله بعد از قیام مخصوص در شرایط رکود کار در کارخانه اشکال دیگری مبارزه نظیر مبارزه با...

و با حربه اشغال کارخانه، هیچگونه کارپردی برای کارگران نمیتوانست داشته باشد بنا بر این یگانگی شکل مناسبت همان نظرات بود که هم در سطح کارخانه و هم در سطح آژانس با توانست مطرح باشد که ارتقاء آن با برخورد به شرایط مشخص به اشکال عالیترین مطرح بود. تاکتیک رفتن به تهران کارگران در پیرویه مبارزه از سوی ما مطرح گردید، با توضیح بی حاصل بودن مذاکرات تعدادی نماینده رژیم، این تاکتیک نظرات داشت بر این که توده های کارگران مستقیما با دیگر کردن آنان با آرگانهای رژیم در تهران رودر روی رژیم قرار داده و از این طریق مسئله کارگران فولاد را در تهران عمده کرده و با جلب حمایت توده های کارگری و حرکتش حرکتی وسیع مبارزاتی راضی افزایش آگاهی کارگران در رابطه با شناخت مستقیمی که از رژیم بدست میآوردند. سازمان دهد. آخرین بخش برنا سه مربوط به تبلیغات بود که قرار شد اعلامیه های "کارگران مبارز" بطور شما را در ویژه توطئه اخراج بهیرون داده شود هدف این بود که در رابطه با مبارزات کارگران حول اخراج آنها بنیال برنا مه های اعلام شده از طرف ما از طریق اعلامیه ها بطور مرتب گشایده شوند.

۲- جریان مبارزه

به عرض اعلام تعطیلی بخشی از کارخانه (واحدوب ۱) که بدلیل رسمی بودن تنها شامل کارکنان دستمزد میشدند حرکت اعتراضی کارگران آن بخش شروع گردید که بنا به پیشنهاد خود کارگران میرفت تا با تظاهرات گسترده در سطح کارخانه بقیه کارگران را که اخراج در کمین - شان نشسته بود قرار بگیرد که حتی دخالت به اداران که مسلحانه در برابر آنها حاضر شده بودند بسیار مقاوم بلیه آنها را نداشت و با هجوم کارگران به آنان همسرا همسرک به ارتجاع متواری شدند ولی به خاطر نبود رهبری، این حرکت اعتراضی با متواری ما خنثی با اداران از سوی کارگران خاتمه یافت در این واحد کارگران بجای انتخاب نماینده رفتند که در مجموع رویز یونسیت های خائن اکثریتی با متواری ما خنثی در مقابل رویز یونسیت اکثریت را بدست آورده و نماینده شدند در این رابطه رفتاری ما برخورد



نمایند. مکرره و با توجه به اینکه  
میتوانستند روی انتخابات تا شیر  
بگذارند با عدم برخورد فعال خود  
رویز یونیونستها پیش بردند (۶۰/۲/۲۰)  
مدتی طول نکشید که تعلیلی گسل  
کارخانه با پرداخت بخشی از دستمزد  
کارگران از طریق رادیو اعلام گردید  
(۶۰/۲/۱۱) بواسطه پراکنندگی  
کارگران تحت تاثیر شرایط جنگی  
در شهرستانهای دیگر تنها حدود  
۱۵۰۰ نفر در فردای روز اعلام تعطیلی  
در کارخانه حاضر و دستها تظا هرات  
اعتراضی علیه اخراج خود زنده و با  
اجتماع خود در مقابل ساختمان  
مرکزی کارخانه با به مجمع عمومی  
هر روز کارگران را گذاردند. پیش  
از اعلام تعطیلی کارخانه رژیم از  
طریق انجمن اسلامی کوشیده بودند تا  
کارگران را متقاعد به تعطیلی  
نمایند و از این رو برنا مه توجیهی خود  
را زیر پوشش نظر خواهی از کارگران  
بهرامون (مشکل راه اندازی کارخانه)  
پیش میبرد که کارگران در مجمع  
عمومی کار زوی انجمن اسلامی  
دعوت میشدند تا به افشای زده و  
اینگونه مجمع را تبدیل به جلسات  
مخاکمه انجمن اسلامی و بسیج مجمع  
میشودند و در این ضمن کارگاههای  
مختلف دست به کار انتخاب نمایندگان  
خود برای تشکیل شورای نمایندگان  
شده بودند. کار انتخاب نمایندگان  
به پایان رسیده و "مجمع نمایندگان"  
تشکیل گردید. جریان شکل گیری  
مجمع نمایندگان به این ترتیب  
بود که نقطه های آن در جریان برنامه  
های فربه کارخانه انجمن اسلامی  
مبنی بر نظر خواهی از کارگران  
تشکیل میشد کارگران ضمن محکوم  
شودن انجمن اسلامی بخاطر دست  
داشتن در توطئه اخراج لزوم  
انتخاب نماینده و تشکیل شورا را  
برای پیگیری مسئله اخراج خود  
مطرح میباشند در این شرایط بود  
که اولین تلاش از سوی کارگران برای  
برچود آوردن مجمع نمایندگان  
صورت گرفت و در اقدام اولیه در سه واحد  
کارخانه انتخاب نماینده از سوی  
کارگران بپایان رسید و رویز یونیونستها  
کیسه در ابتدا سعی میکردند  
کارگران را متقاعد به طرح و برنامه  
انجمن اسلامی نمایند و به این  
ترتیب از تشکل کارگران محمول  
تشکیلات واقعی خود جلوگیری نمایند  
وقتی با نشی طرح و برنامه انجمن  
اسلامی از سوی کارگران روبرو شدند  
به دست و پا افتادند و تلاش کردند تا با  
بسیج گسله نیروهای خود در انتخابات

شرکت کنند که در این میان توانستند  
۸ نفر را بدرون مجمع بفرستند که  
به جز یکی دونمبر بقیه آزدو اثر اداری  
و دفاتر آنها ب زده بودند. هنگامی  
که رژیم تعطیلی کارخانه را اعلام  
نمود و کارگران در اعتراض به آن  
دست به راهپیمایی زدند (در خود  
مجمع) به ترتیب با پروا جدا نیز  
اقدام به انتخاب نمایندگان خود  
نمودند با اینکه توده های کارگری  
که در تمام قسمتها به پای انتخابات  
رفتند بطور متغیر بین ۱۵۰۰ تا  
۲۵۰۰ تن بودند ولی با انحصار  
بیشتر نمایندگان در رابطه با خواست  
کارگران مبنی بر رسیدگی به مسئله  
اخراج آنها با شده بود. در مجمع  
اینکه در این میان مسئله راهیابی  
برخی از رویز یونیونستها و عنا صرف  
مبارز دیگر به مجمع نیز مطرح بود  
مثلا در مورد یک عنصر رویز یونیونست  
بدلیل اینکه سابقا عضو شورای  
بود که مدتها پیش منحل شده بود و  
بدلیل سابقه نمایندگی به مجمع  
راهیافت که این امر ضعیف انتخابات  
را که بدون نظارت واقعی کارگران  
در مواردی این چنینی صورت گرفته  
بود نشان میداد. به این ترتیب  
مجمع نمایندگان مرکب از ۳۲ نفر  
تشکیل گردید. مجمع نمایندگان  
آنچنان که با بدنتوانست با کمیته  
بندی خود در رابطه با مسائلی که  
درگیر آن بود کارگران را سازماندهی  
نمایند و بیشتر مواقع مجموعه درگیر  
هر مسئله ای میشد و به این ترتیب از  
توان مجمع در برخورد با مسئله  
مسائل گرفت میشد ضمن اینکه در  
جریان انتخابات عدم نظارت توده  
های کارگری راهیابی  
رویز یونیونستها و امثالهم گردید.  
ترکیب مجمع نمایندگان از نیرو  
های انقلابی و رویز یونیونستهای  
فدا نقلابی توده ای و اکثریتی به  
همراه متنی های خائن بود در درون  
مجمع و در بیرون آن میان کارگران  
سبا رز بر سر دو خط مشی برای حرکت  
در برابر مسئله اخراج وجود داشت  
یکی برنا مه ما و دیگری برنا مه  
رویز یونیونستها که خواهان "ارائه  
برنا مه جهت راه اندازی کارخانه"  
بوده و همکاری با رژیم را قبول  
خودشان "به نفع انقلاب اسلامی"  
تبلیغ میکردند و حتی نام مجمع  
نمایندگان منتخب را هم با الهام از  
برنا مه خائنه خود "کمیته  
هما هنگی برای راه اندازی کارخانه"  
تعیین می نمودند و از این طریق  
همکاری با کمیته های فنی را تبلیغ  
میکردند که با طرح انجمن اسلامی  
و بسیج مجمع از سوی رژیم و مرکب  
از تعدادی مهندس جهت پیشبرد طرح  
اخراج کارگران در پوشی (راه اندازی)  
تشکیل شده بود. با لاف و مزه  
نمایندگان با نام و بی نام و برنا مه  
خود برپا به برنا مه ما جلو گیری

از تعلیلی کارخانه، اخراج و کاهش  
دستمزدها - کار خود را دنبال نمود  
در این مقطع برز یونیونستها با دادن  
اعلامیه به نام "کارگران مبارز"  
عملآ مده و کلیه اعلامیه ها با نام  
سازمان صادر میشد که این امر باعث  
توجه به این واقعه صورت گرفت  
که "کارگران مبارز" را به نام سازمان  
در کارخانه می شناختند، اعلامیه های  
سازمان تقریبا بطور مرتب و وسیع  
در میان کارگران توزیع میگردد  
از طریق همین اعلامیه ها رویز یونیونستها  
با توجه به نشی که در هنگامی و هنگامی  
با کمیته های فنی و انجمن اسلامی  
و بسیج کسب کرده بودند بطوری افشا  
شده و توسط مجمع نمایندگان و از  
سوی کارگران طرد گردیدند و به  
خوردن "پس گردنی" از کارگران، از  
آن به بعد همواره در هر موقع مقتضای  
قرارداد شدند مجمع نمایندگان  
توانست با حرکت از بیخ کارگران  
را در مجمع عمومی کارگران افشا و  
بکلی طرد نماید.  
مجمع نمایندگان کار تعلیلی  
خود را با رفتن به تهران و مذاکره  
آغاز نمود و با اینکه پیش از آن  
نمایندگان ذوب ا بدون نتیجه  
از مذاکره با مقامات برگشته بودند  
اما مجمع بدلیل ضعف خود در نشان  
دادن این واقعه و اهمیت کارگران که  
مذاکره دردی را در آنها نخواستند  
همچنان که در گذشته نکرده است و  
نیز نماینده مذاکره در بین کارگران  
راهی تهران گردید و همطور که از  
پیش مقصود بود بدون نتیجه بازگشت.  
در طول این مدت اجتماع هر روزه  
کارگران در مجمع عمومی کارخانه  
روبه کارش میرفت و انجمن اسلامی  
و کمیته های فنی برنا مه خود را پیش  
میبردند کارگران میدانند اجتماع  
هر روزه شان هم راهیابی تعلیلی  
تا شهری بروند و آنرا نمی گذارد  
برایشان ضرورت دست زدن به  
اعمالی که بشعوی روی روند هادی  
اوضاع که به نفع آنان نبود تا شهر  
بگذارند و مسئولین را تحت فشار قرار  
دهد پیش از این طرح میگردد  
درک این ضرورت و نقشان دادن  
موقفیت مناسب برای تحقق انحلال  
انجمن اسلامی و بسیج و کمیته های  
فنی کارگران را به این امر فرا  
خواندیم و روشن ساختیم که تا زمانی  
که بقیه کارمیکند کمی سراغ اخراجی  
- ها را نخواهد گرفت و ضرورت  
کشاندن کارگران شاغل را به  
مشرف خود (مما تحت از کار نشان) و  
به این طریق تحت فشار قرار دادن  
مقامات را مطرح ساختیم، این بار  
نیز مجمع با حرکت از موضع ما و در  
برامخالفت رویز یونیونستها که  
اینک دیگر مجمع را به "پیکاری"  
بودن و تا بسیت از خط و برنا مه  
پیکار متهم میکنند با ذکر  
پیشینه در صفحه ۱۲

### فان، مسکن، آزادی

# رویز یونیسفم آراسته "پانوما ریفا" وبازتاب آن در میان ساقترپست‌ها (۲)

## خیانتی "پانوما ریفا"

### تسبوت به دیکتاتور پرولتاریا

مسلک دولت بهترین مسئله موردشایع بره میان کمونیست‌ها و روئیزیونیست‌ها بوده است کمونیست‌ها پیوسته به دولت بی‌مثال به یک دولت است. طبقاتی را بزار اعمال حاکمیت یک طبقه بر طبقه دیگر بر خورده نموده و در این ارتباط دیکتاتور پرولتاریا را ارگان سیادت طبقه کارگر بر پررژوازی به شمار می آورند. از نظر ما رکمیست‌ها، دیکتاتور پرولتاریا میان دمکراسی پریشتری بوده و این دیکتاتور انقلابی شخصی کننده تمام دوران گذار از سرمایه داری به کمونیسم است. از نظر آنها بدون دیکتاتور پرولتاریا سوسیالیسمی معنی است و کمونیسم هرگز تحقق نخواهد یافت و ما رکمیست لنینیست کسی است که به مبارزه طبقاتی و دیکتاتور پرولتاریا اعتقاد داشته و در کردار خود به آن وفادار باشد.

اما روئیزیونیست‌ها پیوسته در مقوله مارکسیستی دولت تحریف کرده و دیکتاتور انقلابی پرولتاریا را نفی کرده اند. همه سیدمداران مرتد مانند برنشتاین، کائوکی، تیتو، خروشچف و برتوف و ننگ - هودارینیت بی مارکسیسم و بطور مشخص دیکتاتور پرولتاریا زبان مشترکی داشته اند همه این خائنین به سوسیالیسم تحت عناوین مختلف دیکتاتور پرولتاریا را نفی کرده و بدین ترتیب یا در یوزگی خود را در استان دیکتاتور پرولتاریا بد اثبات رسانده و یا کوشش کرده اند تا دیکتاتور پرولتاریا را متحما نه و بورژوازی طبقاتی خویش را بیوشانند. تاریخ معاصر مارکسیسم خیانتی روئیزیونیست - های خروشچفی را قرا موش نگرده است با بند خروشچف بی‌مثال به نمایندگان بورژوازی نوین، هنگامیکه قدرت را تصرف نمودا اسلام داشت دوران دیکتاتور پرولتاریا بسر رسیده و جا معه شوروی وارد دورانی گردیده که در آن دیکتاتور پرولتاریا جای خود را به "دولت تمام خلقی" سپرده است، سپس برزنف خائنین نیز همین منی را ادامه داده و از تسز بورژوازی "دولت تمام خلقی" دناغ نمود و امروز "پانوما ریفا" روئیزیونیست نیز همان جعلیات و خز سبلات روئیزیونیستی را تکرار

## پانوما ریفا" میگوید: "ما"

ما خشان جا معه سوسیالیستی پیشرفته در اتحاد جماهیر شوروی و گذار سایر کشورهای جمعیت به موازین ایدئولوژیکی و سیاسی طبقه کارگر دیکتاتور پرولتاریا رسالت تاریخی خود را به انجام رسانید. دولت شوروی وارد مرحله جدیدی از رشد و تکامل خود شد و بصورت دولت سوسیالیستی تمام مردم درآمده آزمایش تاریخی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بدینوسیله پیش بینی علمی بنیان گذاران مارکسیسم - لنینیسم را صنی بر اینکه دیکتاتور پرولتاریا دوره ای گذار و موقتی خواهد بود تا کینت کرده، به اعتبار موقتی که طبقه کارگر در جا معه سوسیالیستی دارد، نقش رهبری خود را حفظ میکند این طبقه تنها طبقه ای در تاریخ است که هدفش دائمی ساختن قدرت خود نیست "آموزش زنده و خلاق مارکسیسم لنینیسم" (تاکید زماست) گفته های "پانوما ریفا" را چنین میتوان رده بندی کرد: ۱- شوروی "جا معه سوسیالیستی پیشرفته است" ۲- "تمام جمعیت شوروی مارکسیسم لنینیسم را پذیرفته و تمام جمعیت نقی سیاسی طبقه کارگر را دارد. ۳- بدلیل فوق و از آنجا که دیکتاتور پرولتاریا برای "دوره ای گذار و موقتی" است رسالت خود را از دست داده و منحل گردیده است. ۴- بنا بر این دولت معنی، دولت تمام جمعیت و یا بمعبارت دیگر "دولت سوسیالیستی تمام مردم" است.

برای آنکه تحریفات خائنه "پانوما ریفا" در مارکسیسم را بهتر دریا بیم، لازمست قدری بسر روی آموزشهای مارکسیستی درباره دولت و دیکتاتور پرولتاریا مکتسب نمائیم. اساس بحث لنین در مقاله دورا نماز "دولت و انقلاب" در جهت اثبات این نکته است که دولت، دولت طبقاتی است و هیچ دولتی در ما وراء طبقات موجود نیست و نمیتواند باشد. لنین در افشای کاژتسکی مرتد مینویسد: "دولت محصول و تحلی آشتی ناپذیرتری تضادهای طبقاتی است. دولت در آنجا، در آن زمان و در حدودی بدید می آید که تضادهای طبقاتی در آنجا آن زمان و در آن حدود بطور بزرگتسفی دیگر نمیتواند آشتی پذیر باشد و با لکن: وجود دولت ثابت میکند

که تضادهای طبقاتی آشتی ناپذیرند در همین بهترین و اساسی ترین نکته است که تحریب در مارکسیسم آغاز می شود "و بین لنین انا فد سیکت: "دولت ارگان سیادت طبقاتی، ارگان ستوری یک طبقه بر طبقه دیگر است" در مقابل اپورتونیست‌ها و روئیزیونیست‌ها شی که پیوسته می - کوشیدند (و امروز نیز میکوشند) تا دولت را محصول آشتی طبقاتی و انورداخته، بین ترتیب افکار ارتجائی آشتی طبقاتی را در میان پرولتاریا و سایر طبقه های زحمتکش رواج دهند، از انقلاب معانعت به عمل آورند. لنین قاطعا نه بر این اصل اساسی با فشاری مینمود که دولت نشان طبقاتی داشته و ارگان سیادت و ستوری یک طبقه بر طبقه دیگر است و تا کیند مینمود در مکتبیک - ترین جمهوری های بورژوازی نیز دولت ارگان حکمفرما شی و ستوری بورژوازی علیه پرولتاریا است.

بر این اساس زمانی که پرولتاریا دست به انقلاب قهرآمیز زده و قدرت دولتی بورژوازی را تا بودسیا زده استقرار دولت نوین یعنی دیکتاتور پرولتاریا اقدام مینماید. دیکتاتور پرولتاریا پرولتاریا ارگان سیادت طبقه کارگر بر علیه بورژوازی و ستگران بوده و این ارگان مکتبی به قهر مسلحانه توده ها است، هدف پرولتاریا نیارت از استقرار کمونیسم و در نتیجه نابودی طبقات و دولت است، لیکن پرولتاریا فقط از طریق برپا داشتن دیکتاتور پرولتاریا خود قراست به این هدف ناشکل گردد. زیرا زمانیکه انقلاب پرولتری صورت میگیرد و قدرت بورژوازی سرنگون میشود جا معه سوسیالیستی هرگز نمیتواند بطور خود بخودی بسوی کمونیسم حرکت نماید و همین لحاظ تنها تضمین حرکت بسوی کمونیسم، دیکتاتور پرولتاریاست این دیکتاتور انقلابی تمام دوران را در بر میگیرد. بمعنای دیگر تا رسیدن به جا معه کمونیستی بدون طبقات (فازبالاتی سوسیالیسم) دیکتاتور پرولتاریا یک ضرورت تاریخی و انکار ناپذیر است. در همین ارتباط است که ما رکس میگوید: "بین جا معه سرمایه داری و کمونیستی دورانی وجود دارد که دوران تبدیل انقلابی

# روئیزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم





است. بنا بر این تا زمانی که حقوق بورژوازی وجود دارد، دولت بورژوازی وجود دارد، اگر چه بتدریج روبه زوال می رود. برای زوال دولت باید طبقات موجودند و موجود طبقات کاری است پس مطلقاً و مطلقاً برای درک حقیقت مطلب به گفتار لنینیست دقت نمائیم:

"برای محو طبقات باید سلسله ای از مملکتین و سرمایه داران را سرنگون ساخت. این بخش از وظیفه را ما انجام دادیم. ولی این نقطه بخشی از وظیفه است و ضمناً نقطه آخرین آن هم نیست. ما نباید برای محو طبقات با بد قورق بین کارگر و دهقان را از بین برده و همه را به کارکن تبدیل نمود. ولی این کار را نمیتوان فوراً انجام داد. (اقتضا و وسایع دست در همه دیکتاتوری پرولتاریا) و در جای دیگر لنینیست مینویسد:

واضح است که برای محو کامل طبقات باید نه تنها استعمارگران یعنی مملکتین و سرمایه داران را سرنگون ساخت و نه تنها مالکیت آنها را لغو نمود، بلکه باید هرگونه مالکیت خصوصی بر وسائل تولید را نیز مملکتی ساخت و هر فرق بین سرزده و هم فرق بین افراد متعلق به کارجمعی و افراد متعلق به کارگری را از بین برد. این کار نیست بسی طولانی. برای انجام این امر باید در جهت تکامل نیروهای مملکتین با بزرگی به پیشرفت برداشت، با پذیرفتن و مستقیم بقاء گسترش آمده تولید کوچک فاشی آمد (مقاومتی که اغلب بطور سیف افسران سبک رده و وسایع ریز ساخت است و فاشی آمدن بر آن سبب کار دشوار است) باید نیروی عظیمی مانند و جمودی که ناشی از این بقا یا است فاشی آمد.

(استکسار عظیم)  
بدین ترتیب زمانی که این وظایف عظیم و بس دشوار را تحقق یابد، طبقات معومی گردند و دولت که بسا معدود شدن حقوق بورژوازی روبه زوال گذاشته زوال می یابد. حال با توجه به آنچه بیان شد، "دولت سوسیالیستی تمام مردم" یا "نوماریف در جامعه بدون طبقه" شوروی به چه معناست؟ حقیقتاً اینست که بنا بر نو ماریف یک رویزیونیست است. شیاد است و جز در تعریف در مارکسیسم و در وضعیت از کار دیگری نمیتواند بگردد. ما این درست است که دیکتاتوری پرولتاریا برای یک دوران گذار است ولی رویزیونیستها این دوران گذار را مترادف تمام مملکتین و همه سوسیالیستی میخوانند. آنان جامعه سوسیالیستی را به دورودن در آورده و تمام مردم را به دورودن آورده و تمام مردم را به دورودن آورده

اول این دیکتاتوری را "شوروی" میخوانند، حال آنکه برای دوره دوم رسالت آنرا نمی گردند و دولت تمام خلقی را مطرح می سازند. همه نظریه پردازان این دیدگاه تصور یک سرمایه رویزیونیستی بوده و در خطا هستند. اگر ما مارکسیسم لنینیسم است چرا که ما مارکسیسم دوران گذار را دوران تعولانی بشماریم می آورده که جامعه سرمایه داری را از جامعه کمونیستی بدون طبقات جدا میسازد و دولت شوروی این دوران گذار را دولت دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا میدانند. البته آنچه که "پانوما ریف" می گویند نه تنها تعریف هر یک در آموزشهای مارکسیسم لنینیسم است، بلکه به علاوه، روشی مذبوحانه ای جهت پرده پوشی دیکتاتوری مارتیست بورژوازی امپریالیستی در روسیه شوروی است. و می آید. این دیکتاتوری پرولتاریا دولت شوروی سوسیالیستی پیشرفته می نامند و از آن بنام دولت تمام جمعیت و یا "تمام مردم" نام میبرند. حال آنکه دولت شوروی یک دولت طبقاتی است و در واقع ارگان استعاری بورژوازی بر علیه پرولتاریاست.

امروز در شوروی سرمایه داری طبقات و مبارزه طبقاتی یک واقعیت انکارناپذیر است. بورژوازی به طبقات مسلط از طریق دولت، مالکیت ابزار تولید را در دست داشته و از بزرگترین امتیازات اجتماع می و میانی و اقتصادی برخوردار می باشد. بورژوازی شوروی نه تنها از طریق استعمار و بهر همه نه طبقات کارگری شوروی، بلکه به علاوه از طریق فاشی و استعمار و طبقاتی جهان موقعیت ممتازی برای خود بوجود آورده است. در این جامعه پرولتاریا بسا کمیت رویزیونیستها قدرتی بسیار و مالکیت پرولتاریا را تسلط بر آن دارند. در دست داده و در حال حاضر شدیداً تحت ستم و استثمار قرار دارند و بطور مشخصی مبارزه طبقاتی پرولتاریای شوروی علیه بورژوازی یک واقعیت انکارناپذیر است (۱) امروز هیچ تبلیغات مزورانه ای قادر به پرده پوشی مناسبات آشتی نا پذیر پرولتاریا و رویزیونیسم نیست. رویزیونیستها را حاکم میسازد و وجود دولت حاکم بر آن دستگیر است. بورژوازی یک - نظامی عظیم است. پس اگر وجود طبقات آشتی نا پذیر در این جامعه است، وجود زندانها، اردوگاههای کار اجباری، پلیس مخفی، با شکیلهای سوسی خود در میان کارگران، ارتش قوی و نیز دستگاه مریض و طولی اداری - بوروکراتیک همه و همه مشخص کننده این حقیقت است که ما بین دلبستی حاکم نیسروی خاص سرکوب یک طبقه توسط طبقه دیسگراست. امروز پرولتاریا (۱) برای شناختن این مبارزات به پیکار رزمی گذشته را میسر شود.

امپریالیستی شوروی با تریل به این. ما بین عظیم دولت سوسی پرولتاریا را سرکوب نموده و هیچ تبلیغات فریبکارانه رویزیونیستی قادر به پرده پوشی این مسئله نیست. "پانوما ریف" مرتد مذهب است. از "مجاهدات طبقاتی" در شوروی (هائنها) میکنند ولی لنین میگوید برای محو طبقات باید فاشی دهقان و کارگران را از بین برد. آیا در شوروی این فرق از بین رفته است؟ آیا فاشی بین شوروی و فاشی از بین رفته است؟ آیا "فرق افراد متعلق به کارجمعی و افراد متعلق به کارگری از بین رفته است؟ آیا پرسنل بهر دستگا بوروکراتیک - نظامی عظیم شوروی آنطور که لنین میگوید به "کارکن" تبدیل شده اند؟ پاسخ واقعی تمام این پرسشها، فاشی رویزیونیستی شوروی را ز جمله "پانوما ریف" فریبکار است. ولی "پانوما ریف" خود هیچ خویش را بازمیگردد. او در حالیکه در کتاب خود صحبت از "مجاهدات طبقاتی" میکند، در عین حال ناگزیر است و با تقویت طبقه تاسی موجود در شوروی اعتراف کند. او به نقل از برژنف مینویسد: "ما ما رشد و تکامل دیگرانی سوسیالیستی امرکشور داری ما بتدریج به خود گردانی اجتماعی کمونیستی تبدیل میشود. البته این مطلب فرآیندی است طولانی ولی در هر حال با ثبات قدم به پیش میرود" و همین خود او می افزاید: "همچنانکه با خست اجتماعی جامعه شوروی رشد و تکامل می یابد راه برای پیشرفت در هر چه بیشتر دگرگونی سوسیالیستی آماده میشود. وجوه اصلی تمام یزیدین گروههای عمده اجتماعی برداشته میشود و مملکتها و گروههای قومی که جمعیت آنها تماماً شوروی را تشکیل میدهند به نمودار شمولی ادبیست. همه دیگر نیز دیک میشوند." آنچه که در گفتار رفیق قابیل تا کنون است اینست که "ولادیمیر لنین" گردانی اجتماعی کمونیستی در سطح جامعه بوجود نیامده است. به معنای دیگر کمونیسم (!؟) مستقر نشده است و اداره طبقات و انفرادی جای خود را به ادارات شایسته نبرده است. بنا بر این باید پرسید زمانی که "خودگردانی اجتماعی کمونیستی" بوجود نیامده و این امر فرآیندی است طولانی "پس چگونه میتوان از "مجاهدات طبقاتی" حرف زد؟ ما نباید "پانوما ریف" میگوید در این در شوروی "وجوه اصلی تمام یزیدین گروههای عمده اجتماعی از بین رفته است" و "مملکتها و گروههای قومی به هم دگرگون شدند" و "تمام مردم را به دورودن آورده و تمام مردم را به دورودن آورده و تمام مردم را به دورودن آورده

طبقا تری وجود طبقات در شوروی  
است. آیا وجود اصلی تمام همان  
اختلافات و تفاوت‌های طبقاتی  
نبیست؟ و آیا گروه‌های عمده اجتماعی  
همان بورژوازی حاکم،  
پرولتاریا و دهقانان چیز دیگری  
میتوانند باشند؟ آری یا نوما ریست  
خود را افشا میکند و علیرغم تمام  
عوارضی که پیش‌کش می‌کند  
واقعیست مریان جامعه شوروی  
سرما پیداری را بپوشاند.

"پا نوما ریست" مرتد میگوید:  
"تمام جمعیت شوروی به مواضع  
ایدئولوژیکی و سیاسی طبقه کارگر  
گذاشتموده اند و بیای به بیان دیگر  
تماما طبقه رو طبقات اجتماعی  
ما رکسیم. لنینیسم را بپوشانید  
ایدئولوژی خود پذیرفته و کمونیسم  
را آرمان خود ساخته اند. واقعا چه  
کسی میتواند اعتراف نکند که این  
گفته دروغ بیسرها نه ای بیش نیست  
آیا خیل عظیم پرستل دستگاہ اداری  
شوروی که اکثر قریب به اتفاق  
آنان با افکار بورژوازی و میریالیستی  
فاسد شده اند موضع ایدئولوژیکی  
پرولتاریا را پذیرفته اند؟ آیا  
رهبران خیانتکاری چون خروشچف  
پرژیف، سولوف، اولیا نومی و  
(با اجازه سانسور) پروفور  
"پا نوما ریست" موضع ایدئولوژیکی  
پرولتاریا را پذیرفته اند؟ آیا  
رویزینوئیستها و مرتدین که دارای  
ایدئولوژی بورژوازی بوده خود  
نمایندگان سیاسی - ایدئولوژیکی  
طبقه بورژوازی نیستند؟

بدین ترتیب تا بدینجا دیدیم  
که چگونه "پا نوما ریست" نسبت به  
دیکتای توری پرولتاریا خیانت  
می ورزد و همان خزعبلاتی را تکرار  
میکند که خروشچف و پرژیف مطرح  
می ساختند. حال در اینجا خوب  
است به یکی دیگر از تحریفیات  
رویزینوئیستی "پا نوما ریست"  
اشاره کنیم.

ما رکسیم می آموزد دمکراسی  
شکلی از دولت است. دمکراسی  
عبارتست از اعمال قهر طبقه تری  
توسط یک طبقه علیه طبقه دیگر.  
هیچگاه دمکراسی ما وراء طبقات  
وجود ندارد و تنها نظریه دولت ما وراء  
طبقات نیست و نمیتواند موجود باشد. در  
واقع دمکراسی هر جا همه سرما به  
داری ماهیتی بورژوازی داشته  
و عبارتست از اعمال ستم بورژوازی  
بر پرولتاریا و در جامعه سوسیالیستی  
دیکتای توری پرولتاریا همان  
اعمال قهر علیه بورژوازی و ستمگران  
است. صحبت از دمکراسی بطور عام  
مفهوم کارشادانی است که در پی  
فریب کارگران و سرما بوده است.  
شستند ما رکسیم آنها هرگز این سؤال  
را غماش نخواستند که دمکراسی  
برای کدام طبقه؟ "پا نوما ریست"  
در کتاب خود صفحات بسیاری را  
اندر حضرات دمکراسی بورژوازی  
تعمیرت میکنند ولی اولی و فقط در باره

عریا بشرین مسئله ای صحبت میکنند  
که توسط تمام ما رکسیمت‌های جهان  
افشا شده و هیچکس قادر به پوشاندن  
گنبدیگی و تمسخر دمکراسی بورژوازی  
غرب نیست. اما او یک مسئله مهم  
و اساسی را در پرده نگاه میدارد و  
آنهم عبارتست از دمکراسی بورژوازی  
در شوروی. او می نویسد: دمکراسی  
ما یک دمکراسی سوسیالیستی است  
و بهمین جهت از بورژوازی پیش آن  
دولت شوروی همواره آماج و غشیانه  
شوروی دنیای کهن بوده است.  
متسا بزرگتر از دمکراسی بورژوازی که  
ارزش و معنای طبقاتی آن حفظ  
و تضمین حاکمیت سرما پیداری است  
دمکراسی پرولتری. عبارات است از  
دمکراسی خلق و برای خلق و این  
موضوع همواره در برخورد کلاسهای  
ما رکسیم - لنینیسم با مسئله  
دمکراسی مورد نظر بوده است.

دمکراسی خلق! چه فریبکاری  
(همانجا)  
بزرگی! همه طبقات اجتماعی کارگر  
دیکتای توری طبقه تری خود را دمکراسی  
سردم معرفی میکنند و امروز  
پا نوما ریست نیز بنا به ماهیت طبقاتی  
همین شیوه را در پیش گرفته است.  
در حقیقت پا نوما ریست از بیان  
ایسین امر در وهن هدف را  
تعمیرت مینماید. در درجه اول قصد  
او تحریف در ما رکسیم است  
ما رکسیم می آموزد که خلق همه  
طبقات مختلف تقسیم میشود و هر یک  
از این طبقات استنباط خاصی از  
دمکراسی دارد. دمکراسی از نظر  
پرولتاریا یعنی دیکتای توری  
پرولتاریا و مرکوب قهر آمیز  
بورژوازی حال آنکه دمکراسی از  
نظر بورژوازی یعنی حاکمیت طبقه  
سرما پیداران و مرکوب خونریزی  
پرولتاریا و همه ستم پیدگان. آری  
فرق عظیمی است میان دمکراسی  
پرولتری و دمکراسی بورژوازی  
و هر دو این است که غرض بورژوازی نیز  
استنباط خاص خود را از دمکراسی  
دارد و به لحاظ ماهیت طبقه تری خود  
مدافع دمکراسی پرولتری نیست.

در جامعه سوسیالیستی دمکراسی  
پرولتری استقرار یافته است و روشن  
است که این دمکراسی طبقه تری  
بهترین وجهی در خدمت ما رکسیم  
است. ستم پیدگان نیز قرار دارند، اما  
مسئله اساسی اینجا است که این  
دمکراسی، دمکراسی پرولتاریا  
است و هرگز ماهیت طبقه تری خود را  
از دست نمیدهد. دمکراسی پرولتاریا  
ما بهترین نوع دمکراسی بوده و  
مزاران بار دمکراسی ستم را زهر  
دمکراسی طبقه تری دیگر است و به  
همین خاطر تمام ما رکسیمت‌ها و ستمگران  
آن بهره خواهند گرفت. لیکن این  
مسئله کوچکترین غرضه ای در ماهیت  
طبقه تری و پرولتری دمکراسی  
سوسیالیستی ایجاد نمیکند.  
ما رکسیم لنینیسم به هر حال  
می آموزد که این که طبقات محسوب  
میشود و چگونه تقسیم و ستم پیدار

دمکراسی نیز جزو عادت گردیده و  
از بین می رود ولی تا زمانی که  
طبقات وجود دارند دمکراسی نیز  
خصیلت طبقه تری خواهد داشت. لنینیسم  
مینویسد:

"اگر فکر کنیم تا ریخ را مورد  
تعمیر قرار ندهیم آنگاه روشن  
است که تا زمانیکه طبقات  
گوناگون وجود دارند نمیتوان  
از دمکراسی خالص سخن به  
میان آورد. بلکه فقط میتوان  
از دمکراسی طبقه تری سخن  
گفت. دمکراسی خالص  
عبارت کاذبانه فدرالیست  
که کارگران را تحمیل مینماید"  
(انقلاب پرولتری و کاشوشکی  
مرتد)

حال آیا "پا نوما ریست" سرد  
بورژوا - امپریالیست نیست که  
در پی تحمیل قریب کارگران  
شوروی و پرولتاریای جهان است  
آیا "پا نوما ریست" با نفی ماهیت  
طبقه تری و انقلاب و دیکتای توری  
پرولتاریا نمی پردازد و آیا  
"پا نوما ریست" ایدئولوژی بورژوازی  
و تحریف کننده ما رکسیم نیست  
هدف دیگر "پا نوما ریست"  
پوشیده نگاه داشتن دیکتای توری  
بورژوازی روس است. بورژوازی  
شوروی برای فریب  
کارگران با ایدئولوژی  
ستمگرانه خود را  
دمکراسی مردم خلق بنا می‌کند.  
بورژوازی امپریالیستی غرب  
مگر تمام رژیمهای ارتجاعی جهان  
خود را مدافع "دمکراسی و آزادی  
قلمداد میکنند؟ بورژوازی  
شوروی نیز باید چنین کند و دروغ  
بگوید زیرا این شوروی طبقه تری  
ما یک سوسیالیسم در پی تحمیل و  
فریب پرولتاریا و خلقهای جهان  
است.

آری "پا نوما ریست" میتواند  
دروغ بگوید چون او نمیتواند  
بورژوازی ارتجاعی و گنبدیها است  
و نمیتواند با حقیقت سروکار داشته  
باشد. او میتواند از نگاه  
ما رکسیم "حرف بزند اما در کبودار  
خود باور مستمر نسبت به آن خیانت  
ورزد، و میتواند از "موت طبقات" و  
جمعییت بدون طبقه "حرف بزند و  
در کردار خود دیکتای توری ارتجاعی  
بورژوازی را پرده پوشی کند، آری  
"پا نوما ریست" میتواند تمام این  
کارها را انجام دهد چرا که با لاف و  
ریالیست دارد با ما رکسیم  
لنینیسم بستیزد. "پا نوما ریست" اگر  
چه فریبکارانه صحبت از "تعمیرت  
رهبری طبقه کارگر" در جامعه  
سوسیالیستی میکند و میگوید  
متر لنینیسم و ستم پیداری  
شسته "جناح انقلابی روسیونیتها"  
شوروی شده اند و میفریبد. لنینیسم  
چو هر شیئی خود در کبودار خود  
میکند که نسبت به رهبری طبقه

بشپه از صفحه ۲ اعتبار در ۵۵۵  
شهر را میگذاردند که قدری همگان  
روز یکشنبه ۶۰/۶/۲۹ جلوی درگاه  
او بیار جمع شد و تا بدست آوردن این  
خواست بحق بر سر کار نروند. در روز  
یکشنبه خلیج مدیر کارخانه از تهرین  
مبارزه کارگران اصلا سر کار نمانده  
و فرد دیگری بنام غابدینی در اجتماع  
کارگران حاضر شده و تعهد میسپارد که  
یا با دش را به دست بدهد. در این روز  
نعال رژیم جمهوری اسلامی بر شهری  
حکیم غابدینی کشف ما قریب  
دادن تعدادی از کارگران نا آگاه  
و عقب مانده سعی مینماید تحت  
تیران "در حالت جنگ است. و  
مبارزه با اعدای ما کرده" در مبارزه با  
کارگران احتلال بوجود آورده است  
اما در پی گیری رفتاری کارگر  
کارخانه دست محکمی بر دهان تمام  
شرفه افکنان زده و یکبار دیگر ثابت  
گردید که تنها در بر خواتر و مبارزه  
است که میشود و کوچکترین خواسته ها  
را از رژیم سر ما بدهد. ان گرفت و این  
مبارزه نیز یکبار دیگر ثابت گردید که  
طبقه کارگری در فاشیستی تری  
شرایط نیز دست از مبارزه نکشیده و  
اجازت نخواهد داد رژیم سر ما بدهد. ان  
معنی جمهوری اسلامی با خیال  
راحت و زندگی سنگین خود را به  
دند (نقل از خبر نامه مطبوعاتی پیکار  
تشکیلات شیراز شماره ۱۶)

بشپه از صفحه ۲ گزارشی ۵۵۵  
ضرورت های فوق در میان کارگران  
اقدام به راه اندازی در سطح کارخانه  
جبهت انحلال انجمن اسلامی و کمیته  
سازای فنی و جلوگیری از گسار  
شاغلین نمود که این حرکت بسا  
موفقیت توأم بود.  
قبل از این جریان، بهمدان  
مراجعه نمایندگان مجمع از تهران  
طرح رفتن دسته جمعی کارگران به  
تهران بعنوان یک تاکتیک کسه  
در پیش مطرح شد از جانب ما مطرح  
گردید که مجمع برای آن رفت و بسی  
فقط تا مدیریتا مدیری بیشتر، فایتر  
ترفت و با در نظر شدن به انحلال  
انجمن اسلامی... نتوانست ارتباط  
لازم را بین ضرورت این اعمال و سئو  
تهران رفتن برقرار نماید. بطوری  
که در بسیاری از موارد طرح تهران  
رفتن از دستور خارج میگردید و در  
نتیجه در همان حد که گفته شد را کد  
مانده حال آنکه مجمع وظیفه داشت  
تدارک لازم را در این زمینه از طریق  
ایجاد صندوق مالی که در مجمع به  
تخصیص رسید بود، ببیند و با ایجاد  
این صندوق مسئله رفتن تهران را  
سپور عسلی در میان کارگران پیش  
برده و در این رابطه کارگران را حول  
صندوق بسیج نماید و این شعار را  
که زمینه آن نیز فراهم بوده و تحقیق  
سازی بخشد.

در این باره با پراکنندگی کارگران در  
سطح شهرستانهای اطراف مخصوصا اینکه  
رژیم برای جلوگیری از تجمع  
کارگران در کارخانه اقدام نموده بود  
که حقوق کارگران بیکار رفته را در  
شهرستانهای محل تجمع کارگران  
میسپردادند و ضرورت بسیج آنان و  
مشکل نمودنشان، دادن طرح تشکیل  
کانون کارگران فولاد را در هر  
شهرستان مرکز تجمع کارگران فولاد  
از جانب ما موجب گردید که ما به  
سازماندهی در این رابطه بخصوص  
در مسجد "پروا ختم" از جانب  
اولیانشان داد که زمینه برای  
تحقق چنین طرحی فراهم است.  
فعالیت عملی ما در شروع مواجهه  
شد با رویدادهای ناشی از تغییر و  
تحولات در قدرت سیاسی که دیگر دنبال  
نگردید. بهورن با مداران سرمایه  
به کارخانه دستگیری تصادفی از  
نمایندگان و عدم حضور نمایندگان  
در کارخانه موجب از هم پاشدگی  
مجمع گردید و زمینه را برای پراکنندگی  
بیشتر کارگران فراهم نمود. بعد از  
آن هم با مصلحت در نظر انجمن بسیج در  
دفتر حزب جمهوری مزید علیست  
گشته و با کوشش جوخه های از سوی  
ارتجاع در جاهای مختلف هرگونه  
حرکت متشکل را از جانب کارگران  
متوقف ساختی ساخت.  
ادامه دارد

بشپه از صفحه ۱۴ ریز و نویسم را بسته  
کارگر "خیانت روز بدهد و بدیکتا توری  
پرولتاریا پشت کرده است. آری  
"پاشو ما ریف" نسبت به بدیکتا توری  
پرولتاریا یعنی جوهر ما رکیسم  
لنینیسم ارتداد نموده است و بی  
نسبت نسبت که لنین می گفت کمانی  
که بدیکتا توری پرولتاریا اعتقاد  
ندارند، هرگز ما رکیست نیستند!  
ادامه دارد



محمد علی مهدوی نژاد  
متولد ۱۳۳۱ در زاهدان  
آشنائی با رنج و کار طاقت فرسا  
از دوران کودکی در خانه خوانده  
زحماتش خود

ورود به دانشکده علوم آزمایشگاهی  
اصفهان در سال ۵۰  
دستگیری و سبیلند ساواک در ۱۶  
آذر ۵۲  
پس از اتمام دوره تحصیل و سرپازی به  
استفاده پزشکی قانونی در آصف  
(سال ۵۸) در مصارفات کارمندان  
این اداره شرکت فعال داشت و  
نماینده شررا گردید.  
- پیوستن به سازمان پیکار ۱۳۵۹  
و ادامه مبارزه کمونیستی برای  
تحقق اهداف انقلابی سازمان  
رزمندگان خود  
- دستگیری در ۱۳ مرداد و شهادت در  
۱۲ شهریور ۶۰  
- ویرانجا مدر را مکه بلشویکیها  
در کنار دهنه تن از رفقای کمونیست  
و در قلب کارگران و زحمتکشان جای  
گرفت، راهش به روز باد!

بشپه از صفحه ۱۴ رفیق کارمیار ۵۵۵  
بندل جوادیم ساخت و تا محو هرگونه  
ستم ملی و فئداتی در ایران و جهان  
یکدم دست از مبارزه برخواهیم  
داشت. یاد رفیق کارمیار (ملی)،  
که نسبت به یکبارگروپاروفسکادار  
کارگران گرامی باد!

### مداورن سنگر همیشه پیدار انقلاب

دانش آموزان انقلابی! رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در ادامه  
قتل عام و کشتارهای خونینش (که در دوره اخیر خون سیش از هزار نفر از  
بهترین جوانان میهن ما را به زمین ریخته است) میکوشد تا در سال  
تعمیلی جدید مدارس را به گورستان آریا مبری مبدل کند. دستگیری و  
اعدام دانش آموزان کمونیست و انقلابی، استخراج وسیع دانش آموزان  
فعال مدارس جزو مقدمات این توطئه ضد انقلابی است.  
اما دانش آموزان مبارز با مبارزات متحد و یکپارچه خود در سال تحصیلی  
جدید نشان خواهند داد که این نقشه ها خیال خامی بیش نیست و امسال  
نیز مدارس یکی از سنگرهای دفاع از انقلاب خواهد بود.  
اتحاد دانش آموزان انقلابی، سنگر مدارس را در دفاع  
از انقلاب مستحکم تر میسازد.  
سازمان دانشجویران و دانش آموزان پیکار

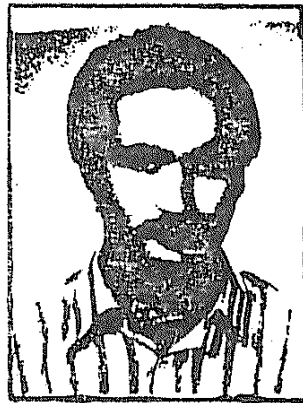
### تصبیح

در پیکار ۱۱۶ عکسی از رفیق  
شبه فروش و کیلی زاده از رفقای  
اتحاد مبارزان کمونیست حساب  
شد که اشتباهان ما خوانا دگی او  
"توتلی" و بر اساس اطلاعاتیه رژیم  
مبتدع در روزنامه ها، وابسته به  
"پیکار" معرفی شده است. ضمن  
تذلیل از آن رفیق شهید، ایمن  
شماره و الزام دستیم. همچنین  
رفیق شهید طلعت رحمان (شهبلا  
بلا) را بیان) که در پیکار ۱۱۴ از نام  
برده شده بود، بنا بنوشته "راه کارگر"  
از رفقای راه کارگر بوده است.  
یادش گرامی باد.





# رفیق کامیار جهان بیگری در دل کارگران قهرمان جای دارد



کمونیست بیگاری کارگران قهرمان  
کارخانه ایران والونو، در شرق  
تهران، خوب می‌شناختند. آنها چهره  
بسی و میهریان و تلاش بیگرایانه  
آوردند راه رمانهای والای طبقه  
کارگران قهرمان میهن ما فراموش  
نخواهند کرد. از طبقه خود برید و  
تمام استعداد نیروی خویش را در  
راه‌های این طبقه ناب‌آرا انقلابی  
بکار گرفت. آخراً و کمونیست بود و  
رسائی این طبقه از یوغ استثمار و  
برپائی جمهوری دمکراتیک خلق  
ایرانی این طبقه و سپس نیل به  
سوسیالیسم، همه آرزویش بود و به  
حسین دلیل هم‌رزم ارتجاعی  
جمهوری اسلامی او را دشمن خویش  
شمرد و کینه طبقاتی خود را علیه او  
و دیگر کمونیست‌ها و انقلابیون نشان  
داد و سرانجام او را که استوار در سنگر  
سازمان بیگاری می‌زیست به جوخه آتش  
سپرد. اما این راه‌سرخ و پیروز مندر  
رهروانی چون او همچنان ادامه  
نخواهند داد و سرمایه‌داری را به  
زباله‌دان تاریخ خواهند افکند و  
پرچم‌سرخ و ظفر نمون سوسیالیسم را  
بر قله این سرزمین برخواهند  
افراشت. این آینده‌ای حتمی است.  
رفیق کامیار در سال ۱۳۳۱  
در سنندج، در خانواده‌ای متوسط،  
متولد شد و پس از طی دوره ابتدائی،  
در تهران وارد دبیرستان هدف  
گردید. استعداد برجسته رفیق او را  
همواره از شاگردان ممتاز کلاس  
قرار میداد. در سال ۱۳۵۰ وارد  
دانشکده هنرهای تزئینی گردید.  
اگرچه محیط دانشکده از نظر سیاسی  
محیط فعالی نبود و جوی شدیدا  
بورژوازی داشت ولی او تحت  
تأثیر جریان‌های مبارزاتی درون  
جامعه و تضادهای مبارزه طبقاتی و  
آشنائی ای که بعنوان یک روشنگر  
با مارکسیسم لنینیسم در او آخیر  
دوره تحصیلی پیدا کرده بود به  
مبارزه علیه رژیم وابسته  
امپریالیسم شاه‌خائن روی آورد.  
رفیق کامیار از همان ابتدا با منی  
چریکی می‌زیست و داشت و پیروزی  
انقلاب را در شکل ورهبری طبقه  
کارگر میدانست. در این هنگام  
بعلت نداشتن ارتباط با سازمانهای  
انقلابی و کمونیستی برای تدارک  
کار در بین طبقه کارگر، کلاس درس را

ترک گفت و ناگزیر ابتدا به سرای  
رفت. در دوره نظام وظیفه هرگز از  
عشقی که به رهائی طبقه کارگر داشت  
غافل نشد و هنوز از این دوره راه  
پایان نبرده بود که در یک کارگاه  
تراشکاری مشغول کار شد. در این  
زمان، با او جگری جنبش توده‌ای،  
او همراه با دانشجویان مبارز برای  
تبلیغ مواضع کمونیستی به کار  
خانه‌ها می‌رفت و با تکثیر و پخش  
اعلامیه بطور مخفی، بذرات آگاهی را در  
میان توده‌های کارگران و صنعتگر  
می‌پاشید. در روزهای قیام بهمن،  
با قلبی پر از کینه علیه بورژوازی  
در همان دروازه‌ها دکانها و درهم  
کوبیدن ارتش این ابزار سرکوب  
بورژوازی، فعالانه شرکت کرد.  
از این تاریخ به بعد، رفیق  
کامیار با تمام وجود، به مبارزه‌ای  
بی‌امان علیه رژیم بورژوازی  
جمهوری اسلامی ادامه داد. رفیق  
بمنظور فعالیت در جهت متشکل کردن  
طبقه کارگر و فراگیری ویژگی‌های  
مبارزاتی آن بدنبال کار در کارخانه  
ایران والونو، در شرق تهران،  
مشغول بکار شد. هم‌زمان با کار در  
کارخانه، رفیق کامیار به ضرورت  
کار با یک تشکیلات مارکسیست -  
لنینیست بعنوان شرط لازم برای  
ارتقا مبارزه‌پی برد و پس از بررسی  
مواضع گروه‌های مارکسیست  
سال ۵۸ سنکراسازمان بیگاری جهت  
ادامه بیگرایانه و انقلابی مبارزه  
برگزید و کار تشکیلاتی با آن را آغاز  
کرد و همواره از مواضع سازمان  
انقلابی و کمونیستی خود دفاع نمود  
در مدت زمان کوتاهی که در کارخانه  
ایران والونو کار می‌کرد پیوندی  
عمیق بین خود و کارگران بوجود  
آورده بود بطوریکه خیلی زود نقش  
باز رفیق در رهبری مبارزات کار -  
گران آشکار گشت. کارگران ایران  
والونو هیچگاه چهره پر محبت رفیق  
را نسبت به خود و خشم و کینه عمیق او  
را نسبت به سرمایه‌داری و نوکرانش  
هرگز فراموش نخواهند کرد. نام علی  
(کامیار) در کارخانه در قلم

کارگران جان داشت و کارگران در  
جواب شما می‌باشیم. ما اولین بیگاری  
های مزدوران سرمایه، با گفتن  
دروغ بیگاری منت محکم بیگاری  
دهان آنان می‌کوبیدند. رفیق  
کامیار در کارخانه‌های کارگری  
شرق تهران فعالانه شرکت می‌نمود.  
تعالیت مبارزاتی و بیگرایانه وی  
با خطوط انحرافی در کارخانه‌های  
شرق تهران و تلاش در راه پیوستن  
انحادهای کارگری نمونه‌ای  
است از خط صحیح مبارزاتی که او  
در راه این حزب نشسته کارگر گس  
شمار بیگاری است انجام میداد.  
رفیق کامیار نسبت به جمعیت  
از تجربیات، برخوردی انقلابی و  
مشولانه داشت که نمونه آنست  
میتوان در جمعیت از حرکت بیگاری  
ساله در کارخانه‌های شرق تهران  
که در چند شماره بیگاری بدست  
رسید، مشاهده کرد.  
نقطه نظرات رفیق کامیار  
همیشه برای رفقا آموزنده و عموماً  
از مضمونی انقلابی و کمونیستی  
برخوردا بود. نقطه نظرات رفیق  
بهت کمب قدرت سیاسی و ضرورت  
ایجاد تشکیلاتی توده‌ای عموماً  
پیشروانه بود. وقتی جنگ بین  
ایران و عراق آغاز شد از اولین  
رفقا‌هایی بود که بر ارتجاعی بودن این  
جنگ پا فشاری میکرد و بر سر آن به  
مبارزه ایگولوژیک می‌پرداخت.  
دینبار زوگسترده رفیق و انسجام  
قابل توجه او در مواضع ایگولوژیک  
مارکسیستی و تحلیل‌های سیاسی  
و اتحادیاتی تاکتیکی مبارزاتی  
بازی می‌نمود. سمت گیری عمیق  
رفیق کامیار به سمت طبقه کارگر  
باعت می‌گشت که همواره با نقیضات  
ضد خودستیزی انقلابی و ریشخند  
بر خوردن تمام بدو با موم بورژوازی  
چه در درون خود و چه در سازمان  
بیرحمانه به مبارزه برخیزد. رفیق  
کامیار از اواسط سال ۵۹ بعنوان  
کامیته‌ای عضو سازمان فعالیت می‌نمود  
کارگران و صنعتگران رژیم  
سرمایه‌داری و ارتجاعی جمهوری  
اسلامی دشمنان طبقاتی خود را خوب  
میشناختند و آنها را از سنگر شما  
می‌ریختند، ما کمونیست‌های مثل  
رفیق بیگاری در میدانهای تیر  
نیز جاسه می‌آفرینند. ۱۲۰ مرداد  
رفیق کامیار بدست جلادان رژیم  
جمهوری اسلامی همراه با یازده  
رفیق هم‌زمین تیرباران شد. ما با  
ایمان به راه او و هم‌زمانش، با  
پیشروی هر چه مصممانه‌تر بیگاری  
سوسیالیسم را دوری را در قلبها مان  
زنده نگاه خواهیم داشت و کینه  
طبقاتی خود علیه سرمایه‌داری را  
که با از دست دادن این لاله‌های  
سرخ انقلاب آتشین تر شده و سقیل  
یافته است به نیروی فنانا پذیر  
بقیه در صفحه ۱۲

تنگ و نفرت بر رژیم جمهوری اسلامی، عمل گستر صدمه  
کمونیست و انقلابی!

بقیه از صفحه ۱۶ نظماً ضم ۵۵۵

- ادا به فعالیت و گسترش آن پس از قیام بویا لآخر دیوسن پس تشکیلات توانا داران پیکار در کاشان رشد بیشتر در زمینه های فکری و فنی و گسترش فعالیت بین مسئولین و بهینه گرفتن مسئولیت ها در بین مسئولین هواداران سازمان

- ادا به فعالیت انقلابی و کمونیستی در مدرسه ها، در کارخانه ها و بیابان توده ها با پخش شبنامه ها

- بر ضرورت های میدانی رفیق موجب شد که با اولیای بیست و نوری محول شود و مذاکرات عضویت هیئت تحریریه پیکار کاشان و هسته مرکزی تشکیلات هواداران در کاشان در آمد

- رفیق یک عنصر پیشرو و دارای برخورد پیر و لتری بود و در جهت رشد و گسترش تشکیلات در بین کارگران و دیگر زحمتکشان فعال بود.

- ارتجاع مثل گرگ مار را در نیال این رفتار بود. در ۷ تیر رفیق عطا ناظم زوی دستگیر و در ۱۴ هسان ماه در حالیکه عاتقا نه از ایدئولوژی پرولتاریا و سازمان خود دفاع میکرد همراه با رفقای به سرگرم گرونیست بودن تهر باران گردید. یادش گرامی باد!

عزت صغری



- تولد در خانواده ای فقیر و گود - نشین و آشنائی با تمام طبقاتی در جامعه

- گرفتن فوق دیپلم پس از تحصیل سختی های فراوان میشتی در قبول تحصیل و شروع به کار در رهنرستان در کاشان

- در نتیجه برخورد دوده ای، بیبسن دانش آموزان یا یگانه قابل توجهی می یا بدو میتواندا سبب های مبارزاتی خود را بین آنان تبلیغ کند.

- پس از قیام به جمع هواداران سازمان می پیوندد و به کلیه فعالیتها نظیر پخش بطور حرفه ای میبرد از

- رفیق در کوهنوردی و دیگر فعالیتها جمعاً بسیار فعال و دارای دید توده ای و طبقاتی بود و با تربیتی که در طول مبارزه یافته بود میتوانست بصورت یک مبلغ موفق در بسیج و تشکل حرکت های توده ای در آید. در بین دانش آموزان نیز، رفیق به فعالیت های کمونیستی و انقلابی شایان توجهی دست زده بود.

رفیق در تظاهرات و اخراجات ۶۵ دستگیر و در ۱۴ تیر ماه دست آنها که دشمن شماره یک کارگران و زحمتکشان ایران هستند یعنی رژیم جمهوری اسلامی تهر باران گردید.

یادش گرامی باد!

فرزانه صدقی



- رفیق فرزانه بعنوان یک رفیق پیشرو و دارای دید توده ای و انگیزه انقلابی پرولتری در سال ۵۹ به تشکیلات هواداران پیکار در کاشان پیوست.

- در طی این دوره از فعالیت خود در حالیکه به شکل مسلمی اشتمال داشت توانست در تبلیغ نظرات سازمان بین دانش آموزان، جوانان و توده های زحمتکش فعالیت کند و در هر هفته ۳ تا ۴ شب را به پخش و شمار نویسی میپرداخت.

- روحیه تعرضی و طبقاتی رفیق که با آموزش های کمونیستی سازمان پرورش می یافت نه تنها در مدرسه و اجتماع بلکه پس از دستگیری نیز همچنان با لای و شور انگیز بود. دفاع او از ایدئولوژی و آرمان پرولتاریائی قهرمان دفاع او از مواضع سازمان (که در درجه جنا پیکار نیز از آن به عنوان مدبرک جرم یاد کرد) نشانگر روحیه رفقای کمونیستی است که پیکار در راه آزادی طبقه کارگر را تلای جان ادا میکنند.

- رفیق در ۱۴ تیر ماه با دیگر رفقای حاضر در راه گرامی یاد.

مسعود صدقی گودرزی



- از قیام بهمن به بعد، رفیق از هواداران سازمان چریک های فدائی خلق بود تا اینکه در سال ۵۹ با مشی چریکی مرز بندی کرده و به هواداران سازمان پیکار پیوست. رفیق که قبل از این بصورت فعال در مبارزه طبقاتی شرکت فعال داشته و به پخش و شمار نویسی و تبلیغ نقطه نظرات مبارزاتی میپرداخت از سوی ارتجاع شناخته شده بود و لذا یکبار در روستان ۵۹ دستگیر شد ولی علیرغم آنکه هیچگونه تعهدی ندا در رژیم ناکزیر او را آزاد ساخت.

- رفیق روحیه ای تمرینی و خستگی ناپذیر و فداکارانه داشت و بسر ای تبلیغ مواضع کمونیستی سازمان خود بین کارگران و زحمتکشان از کلیه وسایل ممکنه استفاده میکرد رفیق در فضای چهره ارتجاع و بر ملا کردن ماهیت سرمایه دارانه رژیم برای توده های زحمتکش فعالانسه کار میکرد.

- رفیق مسعود صدقی به وظایف کمونیستی و انقلابی خود تا زمانیکه دستگیر شد (نظماً هرات و اخگر خرداد) و صهی در زندان وفادار ماند.

از گدو پیوستن دیگر

از گدو پیوستن دیگر

در زیر، سندی با شکوه و خونین از کمونیستی پیکار در کاشان ملاحظه میکنید. این سندوسن های دیگر نظیر آنرا تاریخ جنبش کمونیستی صین با تاریخ مبارزات پر شور کارگران قهرمان ما بر تارک خود چون ستاره ای سرخ، بر تارک خون نقش خواهد بست. این وصیتنامه ها و پیا پیا که در آستانه مرگ، در فاصله شکنجه ها و جرح های اعدام، چون کتیباتی جاودان بر پیشانی تاریخ مبارزات کارگران، بر مخرده مقام عظیم کارگران و زحمتکشان میهن ما با یک وندشان و با استخوانهای خرد شده از شکنجه مفر می شود. جاودانه ماندنی است تا بر سینه و بازوان نیرومند و پرافتخار جمهوری دموکراتیک خلق و ایران سوسیالیستی بدرخشد و بیروزی بهای طبقه کارگر قهرمان ایران را بر پهنه تاریخ رقم زند.

رفیق منمدمحسین خراسانی از زمان دانش آموزان و دانشجو - یان پیکار در درو روزنهم مرداده ۶۵ در شهر قم دست جلادان رژیم جمهوری اسلامی به شهادت رسید. این وصیتنامه مکتوبات در رفیق، با امضای مستعار خود فریدالدین موسوی، قبیل از دستگیری نوشته و ستا مفا سسه در شما نیروی به جنگ جلادان خونخوار رژیم افتاده است. اینک وصیتنامه یک نوجوان کمونیست:

"خیال میکنید یا کشتار و اعدام رهبران راه آزادی طبقه کارگر، سیستم پوسیده و منحط خود را از مرگ حسی نجات خواهند داد؟ خیال میکنید، خواهید توانست برای همیشه کارگران را استتار کنید؟ زهسی خیال باطل! ایما بنا نید هر قطره خون ما خود را خگری اصم بدامن ارتجاع. روزی شما در سید کسد هزاران اخگر از لوله تفنگ حزب کمونیست بسوی پیکر فراتوت سرمایه شلیک خواهد شد و برای همیشه شما را به گورستان تاریخ خواهد سپرد!

وصیتنامه من (سرباز سساده ارتش سسرخ):

صحبکا هان هنگا میکه کارگران خواب آلود و خمسته با سوت کارخانه بیدار میشوند، در میدان وسیع با چشم و دستانی باز اعدا مم کنید.

بیروزی یاد پیکار سرخ کار علی سساده سرمایه

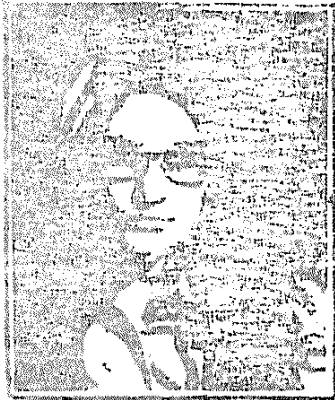
فریدالدین موسوی ۶۵/۴/۳

و سر فرزا و میدو و به پیروزی نهائی طبقه کارگر و کاشان را پذیرا گشت. (۱۴ تیر ۶۵)

شک بر آمدن کاشان رژیم سرمایه - داری جمهوری اسلامی، بیست و نهم روز، با آرزمان شهدای بخون خفته خلق.

# پیشروان مبارزه سرخ، رشید رشیدی شهید از کاشان

شهرستان تهران - آذرماه ۱۳۳۴



## گمونیستهای بیکار گرانگانه :

احمد رضا شفیعی زاده  
مطالعات نظری  
تجزیه و تحلیل  
روزنامه سوسیالیست  
گودرز (آذربایجان)  
گودرز (آذربایجان)

چاره‌های جزیره انداختن این  
حما م‌های خون نیست. یک قدم عقیدت  
نشینی مساوی با مرگ رژیم است.  
این است که برای ادامه دادن  
سیاست ناپاک بودگرایانه به هر جناحی  
دست میزنند و برای توجیه آن به هر  
خس و خاشاکی جنگ میزنند و ارتجاعی  
ترین و خرافاتی ترین عقاید  
قرون وسطایی و حتی وحشیانه تر از  
آنها را به کمک میگیرند و بساط ریاضی  
تزویر و دروغ را تا آنجا که کمترین  
نظیرش را در تاریخ میتوان یافت  
پهن میکنند.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی  
چون طاعون به جان انقلاب گران  
و زخمیگان میهن ما افتاده است  
و گلهای سرسبز انقلاب را که در  
شور و غوغای مبارزه چندسال گذشته  
شکوفان شده اند نهدنا بودی شهید  
میکنند رژیم خمینی وحشیانه هجوم  
می آورد می سایدترین احکام  
انجام دستچشم را در صلاح خانهای  
بوده سر حمله اجبار می آورد و این  
تشی را راه اوست! رژیم تروچنیک  
شکست، هستی و همه موجودیت خود را  
در خطر می بیند. سرمایه داران  
استشارگران و دیگر طبقات ارتجاعی  
وقتی کار دبه استخوانشان برسد  
هیچ اصلی را جز سرکوب و بقیع  
ها نمی رنجایند. خاشاک، قلع و  
شمع قاطعانه (کیهان ۱۱ مهر)  
نمی توانند به رسمیت بشناسند. در  
سر راه انقلاب تروچنیک و گران و  
زخمیگان و مبارزه نیروهای  
گمونیستی و انقلابی رژیم را

اما نطفان انقلاب وسیله  
خروشان و پیمان کن آن مجالسی  
چندان برای رژیم باقی نگذاشته و  
دیروز با زودیا بخراهرنگر و  
اضطراب تاریخی خود را بسیار  
برساند.  
هزاران شهید کمونیست و  
انقلابی در راههای اخیر بدست  
جلادان رژیم خمینی خون پاکشان  
بر زمین ریخته است که هر یک نمون  
ای مجسم از آرمانهای انقلابی  
کارگران و زخمیگان میهن ما  
دستند. در این صفحه به معرفی کوتاه  
پیشرو رشیدی شهید بیکار گران رژیم  
با علم به اینکه این ستاره درگذشت  
تاریخ آنرا ندارد که بعد از روزه و  
مقاومت و آلمان آن رفقا را بخوبی  
متعجب نماید.

## احمد رضا شفیعی زاده



از بنیانگذاران هسته هواداران  
بیکار در کاشان و مسئول تبلیغات  
و بخش کارگری آن بود.  
قبل از قیام مدانشجوی هوادار  
بخش منشعب از س.م.خ. آذربایجان  
بود و با او همکاری جنبش تسوده ای  
درین راقطع کرد و به ایران آمد و با  
همی از همکاران خود در آبادان به  
فعالیت انقلابی پرداخت.  
تکثیر و پخش اعلامیه ها و تجربیات  
و گفتارهای رادیویی بخش  
منشعب و سپس سازمان بیکار از  
فعالیتها و رفیق بوده او در  
مبارزات توده ای و نطق های  
تبلیغی شرکت فعال داشت و سخن  
رانی او در تظاهرات توده ای به  
سنا سیت فاجعه سینما رکس آبادان  
برای بسیاری از کسانیکه در مراسم  
تورستان آبادان حضور داشتند

خاطره ها گویاست.  
جمعی کار رشید در راه بطنه با آن کار  
میگردید در قیام مطحانه به من شرکت  
فعالان نمود و پس از تفریق از آنجا که  
در آن جمع حاصل شد، یعنی در  
زمستان ۵۸ رشید در راه بطنه مستقیم  
با سازمان بیکار رقرار گرفت و به  
تشکیل هسته هواداران سازمان در  
کاشان پرداخت.  
در اوایل زمستان ۵۸ جنبش  
کارگران بیکار در کاشان را سازمان  
دهی کرد و به عضویت شورای کارگران  
انتخاب شد و در عین حال و در کنار  
فعالیت خستگی ناپذیر خود، به  
کار انقلابی آگاهان گران در زمینه  
جووانان و دانش آموزان کاشان در  
روستای ابیان - که زادگاهش  
بود - می پرداخت.  
در بهار ۵۹ در کاشان به ریاست  
(سالن شماره ۲) کاشان به کارگری  
مشغول شد. کارگران مبارز و  
شریف سالن شماره ۲ هیچگاه  
اعتراضات رشید به کار فرمای  
زالو صفت و دفاع رشید از منافع  
کارگران را از یاد نمیبرند.  
رهنمودهای رشید برای پیشبرد

تولدت سال ۱۳۲۴ در کاشان و  
پرداختن بدست مصلحت طلبان از  
تولدت.  
درک بیشتر نا برابری های جامعه  
سرمایه داری و آشنایی با مارکسیسم  
لنینیسم و کاشان گران میهن دانی  
- آذربایجان

مبارزات کارگری کاشان به موجب  
موفقیتها می برای کارگران گودرز  
و به محرومیت او پس کارگران آذربایجان  
- علاوه بر این فعالیتها، رشید به  
انجام وظایف انقلابی خود نظیر پخش  
شماره ها و نشریه های سیاسی و سازماندهی  
اینستو فعالیتها نیز میپرداخت.  
- او بیکار در کاشان ۵۹ با رشید  
شهید عزیز صفوری دستگیر دولتی پس  
از چندی آزاد گردید. او در زندان  
تجزیه مبارزه داد و میداد. و در  
تبلیغ خط مشی سازمان و مبارزه با  
رویز و پویشها و جریانات ارتجاعی  
نظیر فدائیان اکثریت پیگیری و  
فعال بود.

- رشید با دیگر نیز دستگیر شد و این  
با ربه درون محاکمه به زندانی طولانی  
محکوم شد. رشید شور و شوق و  
مبارزه در زندان را بر پا کرده اعتماد  
عذایی را رهبری نمود و ارتجاع  
هراسان از وجود او در کاشان، او  
را به اوین فرستادند پس از دو ماه  
به سلول انفرادی در کاشان  
بازگردانده شد.

- زندانی که آزاد میگردید  
از روحیه و مقاومت خاصه آفرین آن  
یاد میگردند. دستار گمونیستی  
و انقلابی رشید و کارسی و قفسه و  
آگاهان گران و تا شمر زیادی بسیر  
زندانیان گذاشته بود.  
سرانجام رشید در ۱۲ تیرماه  
۶۰، شبانگاه به همراه ۶ تن  
زندانیان که چها رشیشان از هم  
سنگران خودا بودند به شهساران  
منتقل شد و در آنجا بدست پاداران  
چهل و سه ساعه به حکمیت اندک  
خمینی تیرباران شد.  
خاطره های ما و پاداران

## پیشروان مبارزه سرخ، رشید رشیدی شهید از کاشان